





رهنمودهایی در تربیت کودک
از بیانات رهبر معظم انقلاب
حضرت آیت الله العظمی
امام سید علی خامنه ای دامنه ای

مسعود پارسا فر



انشارات سیمای خورشید

عنوان و نام پدیدآور: فصل بذریاشی : گزیده‌ای از رهنمودهای حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی در باب تربیت فرزند/ پژوهشگر مسعود پارسافر؛ با همکاری حمیدرضا صداقتی‌نیا. مشخصات نشر: یزد: سیمای خورشید، ۱۳۹۵. مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص؛ ۱۹×۹/۵ س.م. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۳۶۸-۸-۰ وضعیت فهرست نویسی: فیبا. عنوان دیگر: گزیده‌ای از رهنمودهای حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی در باب تربیت فرزند. موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - - دیدگاه درباره آموزش و پرورش موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - - پیام‌ها و سخنرانی‌ها موضوع: آموزش و پرورش -- ایران -- مقاله‌ها و خطابه‌ها. شناسه افزوده: صداقتی‌نیا، حمیدرضا، ۱۳۷۲ - شناسه افزوده: پارسا فر، مسعود، ۱۳۷۰ - گردآورنده رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۶۸۶ / ۱۸۶۲ DSR - رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴ شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۸۷۸۶۹

فصل بذریاشی

تألیف:	مسعود پارسافر
طرح جلد:	محمد حسین عزیزی نژاد
صفحه آرایبی:	فتانه مصطفوی
ناشر:	انتشارات سیمای خورشید
شمارگان:	۲۰۰۰ نسخه
قیمت:	۵۰،۰۰۰ ریال
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۴۳۶۸-۸-۰
نشانی:	یزد، خیابان سلمان فارسی، کوچه گازرگاه، فرهنگسرای تخصصی امام مهدی <small>علیه السلام</small>
تلفن:	۰۳۵-۳۶۲۷۲۳۹۴
تلفن مرکز پخش:	۰۹۱۳۸۵۳۳۴۱۶

Site: www.sunonline.blog.ir

Email: hakimian_yazd@yahoo.com



انتشارات سیمای خورشید

وابسته به فرهنگسرای تخصصی امام مهدی علیه السلام

[هم حرف همین است ...]

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ
(سوره ی مبارکه ی جمعه آیه ی ۲)

و او کسی است که در میان جمعیتِ درس نخوانده، رسولی از
خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن ها می خواند و آن ها را
تزکیه می کند و به آنان کتاب [قرآن] و حکمت می آموزد هر
چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند!

و سپس آقا فرمودند:

همین آیاتی که اول این جلسه تلاوت کردند، به این نکته اشاره دارد:

اول تزکیه است؛

تربیت دین، تربیت قرآن، تربیت اسلام این است.

بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۹/۷/۱۴

فصل اول

۱۲ ظلم به کودک

اهمیت شش سال اول زندگی

در تکوین شخصیت ۱۳

تأثیر پذیری شدید کودک ۱۴

تربیت معنوی فراخور روح

کودک ۱۵

انسان برای چه آفریده شده

است؟ ۱۶

چگونه میتوان فرزند سالمی

از لحاظ عاطفی و روانی

تربیت کرد؟ ۱۷

در خانواده‌ی خوب چه

کسانی اصلاح می‌شوند؟ ۱۸

در چه جوامعی، تربیت

کودکان به بهترین وجه

صورت می‌گیرد؟ ۱۹

محتوای فکر و ذهن

و عمل نسل بعدی، بسته به

چیست؟ ۲۰

چه کنیم تا بچه‌ها در

محیط خانه، بدون عقده

رشد کنند؟ ۲۱

چگونه محیط امنی برای

کودک ایجاد کنیم؟ ۲۴

دوام خانواده در ارضای

عاطفی کودک چه تأثیری

دارد؟ ۲۵

بهترین میراث پدر برای

فرزند ۲۷

نقش خانواده و جامعه در

تربیت اخلاقی و اجتماعی

کودک ۳۰

پایه‌ی بهشتی شدن

از کیست؟ ۳۱

نقش مادر از کی شروع

می‌شود؟ ۳۲

تفاوت تربیت مادر با تربیت

معلم چیست؟ ۳۳

نقش قرآن در تربیت فرزند

۳۴

وظیفه‌ی اصلی تربیت کودک

بر عهده‌ی کیست؟ ۳۵

چرا اسلام به نقش زن در

خانواده اهمیت می‌دهد؟ ۳۹

مهمترین وظیفه‌ی یک

زن چیست؟ ۴۰

مایه‌ی افتخار جمهوری

اسلامی است ... ۴۱

یک زن مسلمان در محیط

خانه باید چگونه باشد؟ ۴۲

فصل دوم

این کار را «کَمَاهُ وَحَقَّه»

انجام دهید ۴۶

بعد از بیست، بیست و پنج

سال به نقطه‌ای میرسد که ...

۴۷

اهمیت ارتقاء آموزش و

پرورش ۴۹

از ساعت خوابشان هم

خواهند زد ... ۵۰

مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ

صَيَّرَنِي عَبْدًا ۵۱

از کارهای واجب ما این

است که ... ۵۲

اهمیت دادن به معلم یک

اصل مهم و درجه اول در

نظام اسلامی ۵۳

بلکه نقش خود وجود

مقدس باری تعالی

است ... ۵۴

یک معلم واقعی کیست؟ ۵۵

تعلیم پیامبرگونه به چه

نحوی است؟ ۵۶

تأثیر یک معلم تا چه اندازه

است؟ ۵۸

انسانهای بزرگ چگونه رشد

کرده اند؟ ۵۹

دانش آموز از چه چیزهایی

تأثیر می‌گیرد؟ ۶۱

اگر معلم نباشد چه میشود؟

۶۲

حقیقت تعلیم و تربیت

چیست؟ ۶۳

خصوصیات انسانها چه

زمانی شکل می‌گیرد؟ ۶۴

دوران طلایی فراگیری ۶۵

توسعه‌ی سیاسی و فرهنگی

۶۶

اساسی ترین و مهم ترین

دوران عمر کودک ۶۷

معلم کیست؟ ۶۸

نقش معلم در کدام مقطع

تحصیلی مهم تر است؟

۷۰

۱۲۴ حفظ قرآن

استحکام مبانی فکری

همزمان با حفظ قرآن ۱۲۵

فهم قرآن در کودکی راه رشد

جامعه‌ی اسلامی ۱۲۶

امروز یک مقداری جایش

خالی است... ۱۲۷

قصه‌های خوب سازنده‌ی

شخصیت کودک ۱۲۸

کاشتن بذر ایمان اولین کار

در قصه‌گویی ۱۲۹

خودم را از جهت رسیدگی

به فرزندانم، مدیون این مرد

و کتابهایش می‌دانم! ۱۳۰

ما از این کار غفلت داریم...

۱۳۳

پیشروان علمی دنیا را به

اینجا رسانده که... ۱۳۵

کودک، از اول کودکی عادت

کند به... ۱۳۶

فارسی را درست یاد بگیرد!

۱۳۷

بازی‌های غربی یا بازی‌های

ایرانی؟ ۱۳۸

فصل ششم

خطره‌ای از کودکی! ۱۴۲

خروجی آموزش و پرورش

باید چه انسانی باشد؟ ۹۰

فصل سوم

وظایف مشترک معلم و

والدین ۹۲

پیش از تعلیم به تربیت

بیاندیشید ۱۰۴

درباره آن خیلی فکر کنیم

و اهمیت آن را خیلی

بشناسیم ۱۰۵

جایگاه تزکیه در تربیت

کجاست؟ ۱۰۶

علم بدون تربیت فایده‌ای

دارد؟ ۱۰۷

توجه به تفاوت‌های فردی

در تعلیم و تربیت ۱۰۸

توجه به فطرت پاک و کمال

جوی کودکان در تربیت ۱۰۹

توجه به معنویت در تربیت

اطفال ۱۱۰

ضرورت آموزش مسائل

معنوی به کودکان ۱۱۱

فصل چهارم

این، جای نگرانی است! ۱۱۴

غرب چگونه در ذهن کودک

ما اثرگذاری میکند؟ ۱۱۵

فصل پنجم

آیا طلبه‌ها وارد فضای

تربیتی بشوند؟ ۱۲۰

فراگیری قرآن چه اثری در

نوجوان دارد؟ ۱۲۲

شاکله‌ی اصلی وجود افراد

را چه کسانی تعیین

می‌کنند؟ ۷۱

چه شخصی تأثیر عمیق

و ماندگار بر روی انسان دارد؟

۷۲

چگونه میتوان به بچه‌ها

هویت داد؟ ۷۳

یکی از بزرگترین کارهای

بشری؛ تولید انسان فرزانه و

آگاه و کارآمد ۷۴

در لایه‌های عمیق ذهن

مخاطب اثر بگذارید ۷۵

چگونه از یک کودک، انسان

بزرگی بسازیم؟ ۷۶

این، اولین نقطه است! ۷۸

شوق به دانستن را در متعلم

ایجاد کنید ۷۹

برای این سؤالات جواب

داشته باشیم! ۸۰

اعتماد به نفس در کودک

یعنی چه و چگونه؟ ۸۱

معلم، کودک و نوجوان را

با چه شیوه‌ای پیش ببرد؟

۸۳

هنر معلمی این است! ۸۴

نگاه کنیم ببینیم چه لازم

داریم... ۸۶

عیب شیوه‌ی کنونی آموزش

و پرورش چیست؟ ۸۷

محور تلاش باید عبارت باشد

از فکر! ۸۸



بسم الله الرحمن الرحيم

یا حبیب قلوب الصادقین...

زمانی که شیپور جنگ نواخته می‌شود، مرد از نامرد شناخته می‌شود.

در غدیر همه با علی علیه‌السلام بیعت کردند؛ چه شد که بعد از چند روز دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به دنبال یار برای مولایش خانه‌های اصحاب را در می‌زد؟
السلام علی محال معرفه‌الله...

علی‌علیه‌السلام را بی بصیرتی یاران، خانه نشین کرد و اکنون باز چه اتفاقی افتاده است که علی سپر بلاهای دشمنان شده است و باز جریان طلحه و زبیرهای زمان....

دوازده قرن غربت برای امام زمان کافی نیست...؟!
کجایند عمارهای امیرمؤمنان و سلمان‌های رسول خدا که مهدی علیه‌السلام را از خانه‌نشینی دوران غیبت بیرون آورند؟

مهدی علیه‌السلام برای رشد انسان‌هاست.
مهدی علیه‌السلام برای خدایی شدن انسان‌هاست و آن
تملاً به الأرض عدلاً...

و مگر این نیست که هرکس عاشق خدا شود خدا نیز عاشق او می‌شود و هرکس خدا عاشق او گردد او را برای خود می‌برد...

آن‌ها که شهید شدند شهادتشان مدیون عشق‌شان به خداست.

گویا نوجوانان و جوانان گوی سبقت را در عشق‌بازی با خدا از دیگران ربوده‌بودند...

اکنون هم می‌تون جوان‌های عاشق و شیدا تربیت کرد...

اگر حبّ خدا از کودکی وجودشان را فراگرفته باشد. برای همین است که اگر بهشت را هم ارزانی یک لحظه فداکاری‌های این مادران نمایی، جبران نکرده‌ای. امروز نیز جنگ است اگر باور کنیم.

امروز نیز جهاد دیگری می‌طلبید اگر همّت کنیم... جنگ، جنگِ عقیده‌هاست و دعوا سر نیروها... و امام عصر علیه السلام، دوازده قرن است که منتظر نیروست.

کودکانی که هرروز در خانه‌هایمان و اطراف ما سرگرم بازی‌اند می‌توانند هر کدام یک نیرو باشند و یک سرباز واقعی.

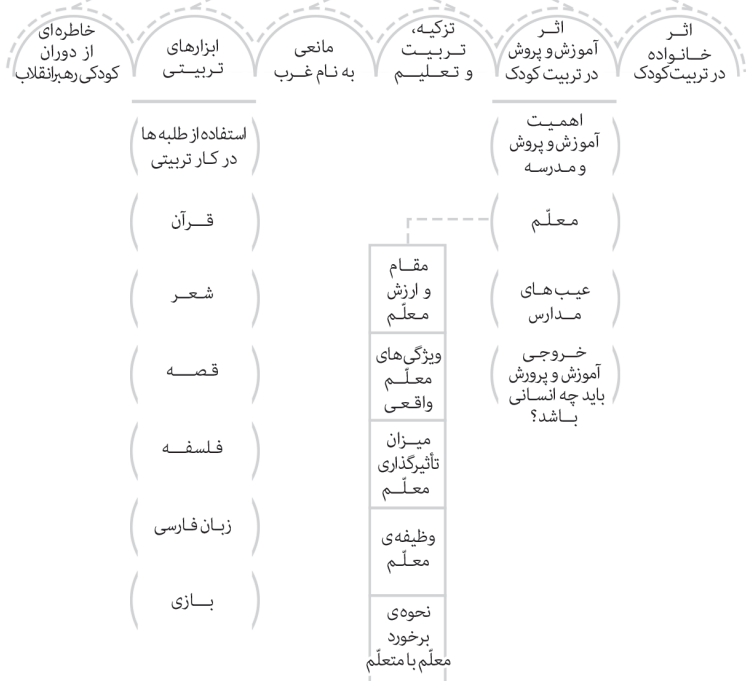
امروز، مهدی علیه السلام یارانی جهادگر می‌خواهد که چون زهرا سلام الله علیها یار و یاور برای مولایش تربیت کند....

والسلام علی من اتبع الهدی

حسین یکتا

[دریا نگاه]

فصل بذرپاشی



فصل
بذریاشی

فصل اول

نقش خانواده
در تربیت
کودک



[ظلم به کودک]

حقوق کودکان را تزییع کردن، فقط به این هم نیست که انسان به آنها محبت نکند؛ نه. سوء تربیت ها، بی‌اهتمامی ها، نرسیدن ها، کمبود عواطف و از این قبیل چیزها هم ظلم به آنهاست.^۱

۱- ۱۳۷۹/۹/۲۵ (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران)



اهمیت شش سال اول زندگی در تکوین شخصیت

شش سال اول زندگی کودک برای تکوین شخصیت وی اعم از رشد استعداد های منطقی و زبانی، تعادل عاطفی و توانایی برقراری روابط اجتماعی از اهمیت ممتازی برخوردار است. چنان که گفته اند بیش از نیمی از مکتسبات یک جوان در پایان دوره دبیرستان از آن سال های قبل از ورود به دبستان می باشد.^۱

۱- پیام به سمینار علمی و آموزشی کودکان زیر ۶ سال ۱۲/۳/۱۳۶۶



تأثیرپذیری شدید کودک

تأثیرپذیری کودک با آن شدت و حساسیتی که دارد یک تأثیرپذیری بسیار پرفرجام و پرعاقبتی است، یعنی تأثیراتش درعاقبت و در فرجام این بچه خیلی زیاد است، و لذا باید روی این خیلی حساب کرد.^۱

۱- دیدار با گروه کودک و نوجوان رادیو ۱۳۷۱/۲/۱



تربیت معنوی فراخور روح کودک

در دوران کودکی نه جسم و نه روح هیچ کدام ظرفیت و گنجایش لازم را ندارند. اگر در همان دوران کودکی هم غذای فراخور جسم کودک به او داده شود، معنویات فراخور روح او در همان زمان می تواند به او داده بشود. امروز ثابت شده و علمای تربیت نشان داده اند که کودک را از اولین دوران ولادتش (از دوران چندماهگی) بایستی طرف و معمول عمل تربیت دانسته، زیرا همه چیز روی او اثر می گذارد و او فراگیری دارد.^۱

۱- مصاحبه با مجله ورزش (۲۱/۵/۱۳۶۶)



انسان برای چه آفریده شده است؟

انسان برای تربیت است؛ انسان برای هدایت و تعالی و کمال است. این نمی شود مگر در یک محیط امن؛ محیطی که در آن عقیده به وجود نیاید، انسان اشباع بشود، در آن تعلیمات هر نسلی به نسل بعد منعکس بشود و از کودکی یک انسان تحت تعلیم صحیح، روان، طبیعی و فطری دو معلّم که نسبت به او از همه‌ی انسانهای عالم مهربان ترند یعنی پدر و مادر قرار بگیرد.^۱



چگونه میتوان فرزند سالمی از لحاظ عاطفی و روانی تربیت کرد؟

اگر خانواده‌ای در جامعه نباشد، همه تربیت‌های بشری و همه نیازهای روحی انسانها ناکام خواهد ماند زیرا طبیعت و ساخت بشری این گونه است که جز در آغوش خانواده، در محیط خانواده و در آغوش پدر و مادر آن تربیت سالم و کامل و بی عیب و بی عقده و آن بالندگی لازم روحی و عاطفی، صحیح و سالم و کامل بار نخواهد آمد. اگر محیط زندگی آرام و مناسبی در خانواده حکم فرما باشد، می‌توان خاطر جمع شد که فرزندان از لحاظ ساختار عاطفی و روانی سالم هستند.^۱



در خانواده ی خوب چه کسانی اصلاح می شوند؟

در خانواده، سه دسته انسان اصلاح میشوند، یکی
مردها که پدران این خانواده هستند، یکی زنها که
مادران این خانواده‌اند و دیگر کودکان که نسل بعدی
این جامعه هستند.^۱

۱- ۱۳۷۴/۲/۱۹-۱ (خطبه ی عقد)



در چه جوامعی، تربیت کودکان به بهترین وجه صورت می‌گیرد؟

اساس ازدواج و مهمترین مصلحت ازدواج، عبارت است از تشکیل خانواده. علت هم این است که اگر خانواده‌ی سالمی در یک جامعه‌ای وجود داشته باشد، آن جامعه سالم خواهد شد و موارث فرهنگی خودش را به صورت صحیح منتقل خواهد کرد. در آن جامعه تربیت کودکان به بهترین وجه صورت می‌پذیرد. لذاست که در آن کشورها و جوامعی که خانواده دچار اختلال می‌شود معمولاً اختلالات فرهنگی - اخلاقی به وجود می‌آید.^۱

۱- ۱۳۷۸/۱/۱۶ (خطبه‌ی عقد)



محتوای فکر و ذهن و عمل نسل بعدی، بسته به چیست؟

محتوای فکر و ذهن و عمل نسل بعدی، بسته به چیست؟ این فقط با خانواده ممکن است. در محیط خانواده است که اول بار همه‌ی هویت و شخصیت یک انسان بر اساس فرهنگ آن جامعه شکل می‌گیرد و این پدر و مادرند که به طور غیرمستقیم و بدون اینکه خود آنها تصنعی به کار ببرند، به طور طبیعی محتوای ذهن و فکر و عمل و معلومات و اعتقادات و مقدسات و اینها را به نسل بعدی منتقل می‌کنند.^۱

۱- ۱۳۷۹/۱۰/۱۵ (خطبه ی عقد)



چه کنیم تا بچه‌ها در محیط خانه، بدون عُقد‌رشد کنند؟

کلام اول:

نگرش اسلام به خانواده، نگرشی درست، نگرشی اصیل و یک نگاه همراه با اهتمام است که خانواده اصل قرار داده شده و به هم زدن بنیان خانواده یا آشفته نمودن آن جزء بدترین کارهاست.^۱

کلام دوم:

خانواده در اسلام یعنی محل سکونت دو انسان، محل آرامش روانی دو انسان، محل انس دو انسان با یک دیگر، محل تکامل یک نفر به وسیله‌ی یک نفر دیگر، آن جایی که انسان در آن صفا می‌یابد، راحتی روانی می‌یابد، این محیط خانواده است. کانون خانواده در اسلام این قدر اهمیت دارد.^۲

۱- ۱۳۷۹/۱۰/۱۵ (خطبه‌ی عقد)

۲- ۱۳۷۴/۱۰/۴ (خطبه‌ی عقد)



چه کنیم تا بچه ها در محیط خانه، بدون عُقدہ رشد کنند؟

... کلام سوم:

اسلام در بیان قرآن، در چند جا، این آفرینش زن و مرد و هم زیستی اینها و در نهایت زوجیت آنها را برای آرامش و سکن برای زن و مرد شناخته است.^۱

... کلام چهارم:

در قرآن، آیه‌ی «وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»^۲ آمده است. دو جا در قرآن، تعبیر سکن وجود دارد. خدای متعال، زوج آدمی را از جنس او قرار داد، زوج زن را، زوج مرد را از جنس خود او قرار داد، «لیسکن الیها» تا اینکه آدمی بتواند - چه مرد و چه زن - در کنار شوهر یا همسر، احساس آرامش کند.^۳

۱- ۱۳۷۶/۹/۶ (خطبه ی عقد)

۲- (اعراف ۱۸۹)

۳- ۱۳۷۵/۱۰/۵ (خطبه ی عقد)



چه کنیم تا بچه‌ها در محیط خانه، بدون عُقدۀ رشد کنند؟

کلام پنجم:

این آرامش، سکونت و نجات از تلاطم‌های روحی و اضطراب‌های زندگی است. میدان زندگی، میدان مبارزه است و انسان در او دائماً در معرض نوعی اضطراب است، این بسیار چیز مهمی است. اگر این آرامش و سکونت به نحو صحیحی تحقق پیدا کند، زندگی سعادت‌مندانه می‌شود، زن خوشبخت می‌شود، بچه‌هایی که در این خانه متولد می‌شوند و پرورش می‌یابند، بدون عقدۀ رشد خواهند یافت و خوش‌بخت خواهند شد. یعنی از این جهت، زمینه برای خوشبختی همه‌ی این‌ها فراهم است.^۱

۱- ۱۳۷۶/۴/۳۱ (خطبه‌ی عقد)



چگونه محیط امنی برای کودک ایجاد کنیم؟

اگر روشهای اسلامی رواج پیدا کند، خانواده ها مستحکم خواهد شد. همچنان که در گذشته های ما - نه در دوران منحوس پهلوی - آن وقتیایی که هنوز ایمان مردم سالم تر و کامل تر و دست نخورده تر بود، در زمان قدیم. خانواده مستحکم تر بود. زن و شوهر به هم علاقه مندتر بودند، فرزندان در محیط های امن و امان بیشتری پرورش پیدا می کردند. حالا هم راه همین است. آن خانواده هایی که جهات اسلامی را رعایت می کنند، اینها غالباً خانواده هایی محکم تر، بهتر، قوی تر و محیط امن تری برای فرزندان و کودکان خواهند بود.^۱

۱- ۱۳۷۸/۱/۱۵ (خطبه ی عقد)



دوام خانواده در ارضای عاطفی کودک چه تأثیری دارد؟

کلام اول:

در محیط اسلامی، زن و شوهر با هم‌اند، در مقابل هم مسئول‌اند، در مقابل فرزندان مسئول‌اند در مقابل محیط خانواده مسئول‌اند. ببینید از نظر اسلام خانواده این قدر مهم است.^۱

کلام دوم:

در محیط‌های اسلامی، خانواده آن چنان مستحکم است که گاهی دو نسل هم می‌گذرد و می‌بینید پدر بزرگ و پدر و نوه در یک خانه دارند با هم زندگی می‌کنند. این چقدر ارزش دارد؟ نه اینها از آنها سیر می‌شوند، نه آنها با اینها بد می‌شوند. همه به کمک هم می‌آیند.^۲

۱- ۱۳۷۶/۶/۱۸ (خطبه ی عقد)
۲- ۱۳۷۲/۱۰/۲۰ (خطبه ی عقد)



دوام خانواده در ارضای عاطفی کودک چه تأثیری دارد؟

... کلام سوم:

در جوامع اسلامی، یعنی جوامع متدین و مذهبی، مشاهده می‌کنیم که دو نفر آدم مدت طولانی با هم زندگی می‌کنند و اصلاً از هم سیر نمی‌شوند، بلکه دلبستگی شان به هم بیشتر می‌شود، انس و محبت و وفایشان به همدیگر بیشتر می‌شود، این همان خاصیت تدین و دینداری و مذهبی بودن و جهات خدایی را رعایت کردن است.^۱

... کلام چهارم:

در اسلام و در فرهنگ اسلامی، خانواده با دوام است. توی خانواده پدربزرگها و مادربزرگها و پدر و مادر هستند، نوه‌ها و نتیجه‌هایشان را می‌بینند... سنتها را به هم منتقل می‌کنند. نسل گذشته موارث خودش را به نسل بعد تحویل می‌دهد. بریده و بی‌ریشه و تنها و بی‌عاطفه بار نمی‌آیند.^۲

۱- ۱۳۸۰/۱/۲ (خطبه ی عقد)
۲- ۱۳۷۶/۴/۳۱ (خطبه ی عقد)



بهترین میراث پدر برای فرزند

مَسْعَدَةُ بن صدقه می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: بهترین ارثی که پدران برای فرزندان می گذارند، ادب است نه مُلک، خانه، زمین و سایر مملوکات. مسعده بن صدقه در ذیل روایت، می گوید: مراد حضرت از ادب، علم است.^۱

کلام اول:

نکته اساسی در این روایت این است که فرهنگ پذیری انسان در درجهی اول از ناحیه ی خانواده است که اشباع می شود، حضرت واقعیتی را بیان میکنند که بدانیم هر حرکت و هر رفتار و مشی ما با فرزندانمان در شخصیت و شکل دهی ذهنیت آنها تأثیر می گذارد؛ در واقع، نظام ارزشی اسلام را، اهمیت این تعلیم و آموزش را، این انتقال فرهنگ صحیح را به فرزندان نشان میدهد که این، وظیفه پدران است. البته به فرزندان هم این

۱- (الشافی، صفحه ۸۵۱)



بهترین میراث پدر برای فرزند

نکته را می گوید که: بدانید! آنچه از این ناحیه گیرتان می آید، قیمتی تر است از مال و منال دنیوی که از پدران بدست می آورید. تقوا را، پرهیزگاری را، دوری از گناه را، انس با خدا را، انس با قرآن را، تسلیم در مقابل اوامر الهی را، توجه دادن به معنویت را، اینها را ما باید به بچه هایمان یاد بدهیم.

کلام دوم:

اولین جایی که فرزند این چیزها را می چشد، داخل خانواده است، اینها را بایست به بچه ها یاد داد؛ جلوی بچه ها قرآن بخوانید! جلوی بچه ها دعا بخوانید! در مقابل چشم بچه ها از خدای متعال بخواهید! دعا کردن و حرف زدن با خدا را عملاً یاد بدهید! جلوی بچه ها دروغ نگویید! غیبت نکنید! اظهار ذلت در پیش غیر خدا نکنید! طمع به مال را نشان ندهید! اگر اینطور شد،



بهترین میراث پدر برای فرزند

فرزند ما هم اینطوری بار می آید. چنانچه ما غیبت کنیم، بداخلاقی کنیم، اهانت به این و آن کنیم، جلوی بچه هایمان خودمان را در مقابل مقامات دنیوی کوچک کنیم، با خدای متعال اصلاً انسی پیدا نکنیم، این بچه هم در این محیط پرورش پیدا میکند، از این حقایقی که باید فراگیرد غافل می ماند و ذهن او و روح او با همین کارهایی که ما می کنیم آشنا می شود.^۱



نقش خانواده و جامعه در تربیت اخلاقی و اجتماعی کودک

خانواده و جامعه باید به عنوان یک واحد تربیتی هماهنگ و مؤثر نقش خویش را قبل از حضور کودک در دبستان در زمینه های اجتماعی کردن کودک، پذیرش آداب و رسوم مفید و سازنده و نیز استقرار اخلاق نیکو در وی ایفا کنند و این وظایف مهم را تنها به مربیان و معلمان حرفه ای نسپارند.^۱

۱- پیام به سمینار علمی و آموزشی کودکان زیر ۶ سال ۱۲/۳/۱۳۶۶



پایه‌ی بهشتی شدن از کیست؟

آنکه بهشتی میشود، پایه‌ی بهشتی شدنش از
مادر است.^۱

۱- ۱۳۸۴/۵/۵ (دیدار با جمعی از مداحان)



نقش مادر از کی شروع می شود؟

نقش مادر از دوران حمل و بارداری شروع می شود و تا آخر زندگی انسان ادامه دارد. مردی که به دوران جوانی رسیده یا از دوران جوانی هم عبور کرده، باز تحت تأثیر عطف و محبت و شیوه‌های خاص مادرانه‌ی مادر است. اگر زنان ما از لحاظ رتبه‌ی معرفتی و بینش و معلومات، سطح خود را ارتقاء دهند، این نقش با هیچ نقش دیگری، با هیچ مؤثر دیگری از مؤثرات فرهنگی و اخلاقی تا آخر، قابل مقایسه نیست. یک وقت مادری از لحاظ معرفت سطحش پایین است؛ البته این نمیتواند در دوران بزرگی اثرگذاری کند؛ این گناه کم بودن معلومات یک انسان است؛ این نقص تأثیر مادری نیست. مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می کند.^۱

۱- ۱۳۸۴/۵/۵ (دیدار با جمعی از مداحان)



تفاوت تربیت مادر با تربیت معلم چیست؟

مادر می تواند فرزندان را به بهترین وجه تربیت کند. تربیت فرزند به وسیله‌ی مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست؛ با رفتار است، با گفتار است، با عاطفه است، با نوازش است، با لالائی خواندن است؛ با زندگی کردن است. مادران با زندگی کردن، فرزند تربیت می کنند. هرچه زن صالح‌تر، عاقل‌تر و هوشمندتر باشد، این تربیت بهتر خواهد شد.^۱



نقش قرآن در تربیت فرزند

اگر زنها با قرآن مانوس بشوند، بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد؛ چون انسان های نسل بعد در دامن زن پرورش پیدا می کند و زن آشنای با قرآن و مانوس با قرآن و متفاهم با مفاهیم قرآن، خیلی می تواند در تربیت فرزند تأثیراتی داشته باشد.^۱



وظیفه‌ی اصلی تربیت کودک بر عهده‌ی کیست؟

::: کلام اول:

از جمله وظایفی که بر عهده‌ی زنان در داخل خانه و خانواده است، مسأله‌ی تربیت فرزند است. زنانی که به خاطر فعالیت‌های خارج از خانواده، از آوردن فرزند استنکاف می‌کنند، برخلاف طبیعت بشری و زنانه‌ی خود اقدام می‌کنند. خداوند به این راضی نیست. کسانی که فرزند و تربیت فرزند و شیردادن به بچه و در آغوش مهر و عطوفت بزرگ کردن فرزند را برای کارهایی که خیلی متوقف به وجود آنها هم نیست، رها می‌کنند، دچار اشتباه شده‌اند. بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام، این را اجازه نمی‌دهد.^۱

۱- ۱۳۷۵/۱۲/۲۰ (بیانات در اجتماع زنان خوزستان)



وظیفه‌ی اصلی تربیت کودک بر عهده‌ی کیست؟

... کلام دوم:

یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت و دقت، آن چنان بار بیاورد که این موجود انسانی - چه دختر و چه پسر - وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختی‌ها و فلاکت‌ها و بلایایی که امروز نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و آمریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد.^۱

... کلام سوم:

عزیزان من! شما ببینید زنان غربی، به‌خاطر این که به خانواده اهمیت ندادند، به تربیت فرزند اهمیت ندادند، امروز کار جوامع غربی به جایی رسیده است که میلیون‌ها نوجوان تبه‌کار و فاسد در کشورهای اروپایی و آمریکایی،

۱- ۱۳۷۵/۱۲/۲۰ (بیانات در اجتماع زنان خوزستان)



وظیفه‌ی اصلی تربیت کودک بر عهده‌ی کیست؟

در زیر سایه‌ی آن تمدن مادّی، آن کاخهای سربرافراشته، آن پایگاه‌های اتمی، آن آسمانخراشهای صدوچند طبقه، آن پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک، در سن ده سالگی، دوازده سالگی مشغول تبهکاری اند؛ دزدند، قاتل اند، قاچاقچی اند، معتادند، سیگار می کشند، حشیش می کشند! این، به خاطر چیست؟ به خاطر آن است که زن غربی، قدر خانواده را ندانست.^۱

کلام چهارم:

در گذشته، وضع زنان غربی این‌طور نبود. از سی، چهل، پنجاه سال قبل، وضع زنان غربی - بخصوص در آمریکا و بعضی از کشورهای اروپایی - روز به روز بدتر شد. آن روزی که زنان غربی این راه غلط را شروع نمودند، فکر نمی کردند که سی سال دیگر، چهل سال دیگر، پنجاه سال دیگر، کشور و جامعه‌ی آنها، دچار چنین

۱- ۱۳۷۵/۱۲/۲۰-۱ (بیانات در اجتماع زنان خوزستان)



وظیفه‌ی اصلی تربیت کودک بر عهده‌ی کیست؟

وضع‌ی شود که نوجوان دوازده ساله، هفت‌تیر ببندد، یا چاقوی ضامن‌دار در جیب خود بگذارد و به هنگام شب یا روز، در گوشه و کنار خیابان‌های نیویورک یا لندن یا بقیه‌ی شهرهای غربی، اگر توانست کسی را بکشد، بدون هیچ ملاحظه‌ای بکشد! وضعیتشان به این جا رسیده است. وقتی خانواده از هم پاشید، وضعیت این گونه می‌شود.^۱

۱- ۱۳۷۵/۱۲/۲۰ (بیانات در اجتماع زنان خوزستان)



چرا اسلام به نقش زن در خانواده اهمیت می دهد؟

علت این که اسلام این قدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت می دهد، همین است که زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آنها را شیر داد، آنها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آنها آذوقه‌های فرهنگی - قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی، ماجراهای آموزنده - فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشاند، نسلها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد. این، هنر زن است و منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و امثال این‌ها ندارد.^۱

۱- ۱۳۷۵/۱۲/۲۰ (بیانات در اجتماع زنان خوزستان)



مهمترین وظیفه‌ی یک زن چیست؟

از همه‌ی کارهای زن مهم‌تر، تربیت فرزندان و تقویت روحی شوهران برای ورود در میدان‌های بزرگ است، و خدا را شکر می‌کنیم که زن ایرانی و مسلمان، در این میدان هم بیشترین هنر را نشان داده است.^۱

۱- ۱۳۷۵/۱۲/۲۰ (بیانات در اجتماع زنان خوزستان)



مایه ی افتخار جمهوری اسلامی است...

تربیت اسلامی و انقلابی زن مسلمان، مایه افتخار و مباحثات جمهوری اسلامی است. ما به زنان مسلمان خودمان افتخار می کنیم. در این راهپیمایی ها، وقتی دوربین ها می رود روی چهره خانم هایی که با حجاب کامل، فرزندان شان را هم در بغل گرفته اند و در شرایط دشوار به راهپیمایی آمده اند، یا برای اعلام موضع سیاسی، یا در نماز جمعه شرکت کرده اند و یا برای کار عبادی، سیاسی به پای صندوق های رأی رفته اند، برای ما افتخار است. خانم هایی که در دانشگاه ها مراتب عالییه را در راه تحصیل علم به دست آورده اند و یا در کنکورهای سراسری در رشته های گوناگون رتبه اول و دوم شده اند، وقتی در جامعه ما نمود پیدا می کنند، جمهوری اسلامی سربلند می شود و افتخار می کند.^۱

۱- ۱۳۷۱/۹/۲۵ (بیانات در دیدار جمعی از زنان)



یک زن مسلمان در محیط خانه باید چگونه باشد؟

زن مسلمان باید در راه فرزانگی و علم تلاش کند؛ در راه خودسازی معنوی و اخلاقی تلاش کند؛ در میدان جهاد و مبارزه - از هر نوع جهاد و مبارزه‌ای - پیش قدم باشد؛ نسبت به زخارف دنیا و تجملات کم‌ارزش، بی‌اعتنا باشد؛ عفت و عصمت و طهارتش در حدی باشد که چشم و نظر هرزه بیگانه را به خودی خود دفع کند؛ در محیط خانه، دل‌آرام شوهر و فرزندانش باشد؛ مایه‌ی آرامش زندگی و آسایش محیط خانواده باشد؛ در دامن پرمهر و پرعظوفت و با سخنان پرنکته و مهرآمیزش، فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند؛ انسان‌های بی‌عقده، انسان‌های خوش‌روحیه، انسان‌های سالم از لحاظ روحی و اعصاب، در دامن او پرورش پیدا کنند و مردان و زنان و شخصیت‌های جامعه را به وجود آورد.^۱

۱- ۱۳۷۱/۹/۲۵ (بیانات در دیدار جمعی از زنان)

فصل بذریاشی

فصل دوم

نقش آموزش و پرورش در تربیت کودک

❖ اهمیت آموزش و پرورش و مدرسه

❖ معلم مقام و ارزش معلم

ویژگی های معلم واقعی

میزان تأثیر گذاری معلم

وظیفه های معلم

نحوه برخورد معلم با متعلم

❖ عیب های مدارس

❖ خروجی آموزش و پرورش باید

چه انسانی باشد؟



این کار را کما هو حقّه انجام دهید

بخش اول
(اهمیت آموزش و پرورش در مدرسه)

شاید اغراق نباشد اگر بگوییم حسّاس ترین و مهم ترین بخش اداره ی کشور، آموزش و پرورش است. این هم نعمتی است که خدای متعال بر شما ارزانی داشته است که اشتغال معمول زندگیتان در خدمت علم و معرفت و تربیت و پرورش کودکان و نوجوانانِ امروز - که اداره کنندگانِ فردای کشورند - باشد. خیلی جاها انسان می تواند مشغول کار شود و نانی هم به دست آورد؛ شاید نانی خیلی چرب تر از نانی که انسان در آموزش و پرورش به دست می آورد؛ اما این افتخار و قداست در همه جا نیست. از این جهت آموزش و پرورش یک نقطه ی ممتاز است. خدای متعال را شکر کنید که این مسئولیت را به شما داده است و از او بخواهید که توفیق دهد ان شاءالله این کار را کما هو حقّه انجام دهید.^۱

۱- ۱۳۸۱/۴/۲۶ (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش)



بعد از بیست، بیست و پنج سال به نقطه ای میرسد که...

شما نگاه کنید و ببینید جای تربیت انسانها کجاست؟ از اول ولادت تا وقت مرگ، کدام نقطه و کدام منطقه و محیط، برای تربیت چنین انسانهایی مناسبتر از آموزش و پرورش است؟ همین قرنطینه‌ی دوازده ساله می‌تواند انسانها را با همین خصوصیات مثبت تربیت کند. یعنی اگر کارخانه‌ی آموزش و پرورش خوب کار بکند، در جهت درست کار بکند، همه‌ی اجزایش کار بکند، طراحی و مدلسازی و مدیریتش خوب کار بکند، بدون تردید یک کشور در هر نقطه‌ای که قرار داشته باشد، بعد از بیست سال، بیست و پنج سال به نقطه‌ای می‌رسد که مردمش دارای این خصوصیات برجسته‌اند. این نقش آموزش و پرورش است؛ این نقش معلم آموزش و پرورش است؛ این را دست کم نمی‌شود گرفت. کدام بخش از مجموعه‌ی اداری و آموزشی کشور غیر از آموزش و پرورش، این اهمیت عظیم را دارند که



بعد از بیست، بیست
و پنج سال به نقطه ای
میرسد که...

این حجم وسیع از انسانها در بهترین اوقات عمرشان، به صورت مستمر - دوازده سال - زیر دست آنها باشند؟ اهمیت آموزش و پرورش این است.^۱

۱- ۱۳۸۶/۲/۱۲ (بیانات در دیدار معلمان)



اهمیت ارتقاء آموزش و پرورش

اگر آموزش و پرورش در یک کشور ارتقاء پیدا نکند و اصلاح شود، در اقتصاد، سلامت و بهداشت، محیط زیست، مرگ و میر، باروری، زیبایی و هنر، رفتارهای گوناگون مردم در سطح جامعه با یکدیگر، و فراتر از همه‌ی این‌ها، در دین، فلسفه و اخلاق تأثیر خواهد گذاشت.^۱

۱- ۱۳۸۵/۲/۱۲-۱ بیانات در دیدار با معلمان



از ساعت خوابشان هم خواهند زد...

حقیقتاً باید بگویم که اگر مسئولان امور فرهنگی کشور بخواهند مسأله‌ی کودک و نوجوان را آن‌چنان که هست، مورد اتمام قرار دهند، من خیال میکنم خیلی از آنهایی که مسئول اند، از ساعات خوابشان هم خواهند زد تا به این مسأله بپردازند. امروز قضیه‌ی تربیت کودک و نوجوان، با گذشته‌های دور - حتی با گذشته‌های نه چندان دور، مثلاً با بیست سال پیش - خیلی تفاوت کرده است.^۱

۱- ۱۳۷۷/۲/۲۳ (بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)



من عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا

بخش دوم | قسمت اول
(مقام و ارزش معلم)

من می خواهم در جامعه‌ی ما شأن تعلیم و تربیت همان شأنی بشود که اسلام قرار داده است. اینی که نقل شده است که فرمود: «من عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا»^۱ همین است که انسان با آموختن از کسی، در واقع یک مرحله‌ای را پشت سر می گذارد که جا دارد به خاطر آن مرحله خود را بنده و خدمتگزار آن هدایت کننده و راهنما بداند و قرار بدهد. حرف اصلی این است.^۲

۱- (جامع السعادات، ج ۳، ص ۱۱۲)
۲- (بیانات در دیدار معلمان استان فارس) ۱۳۸۷/۲/۱۲



از کارهای واجب ما این است که...

یکی از کارهای واجب ما این است که آحاد ملت ما، از کوچک و بزرگ، از مقامات عالی تا آحاد مردم، قدر معلم را بدانند، اهمیت معلم را درک کنند، حرمت معلم را بشناسند؛ این از کارهای بسیار اساسی است. رسانه‌ها باید نقش ایفاء کنند، مسئولان باید نقش ایفاء کنند. به تعارف هم برگزار نشود؛ تفهیم شود. امثال من نوعی بفهمیم که چقدر مهم است نقش این مردی، این زنی که در کلاس، عمر خودش را دارد برای تربیت این نوجوان ما، این کودک ما، این فرزند ما مصرف می‌کند. البته خود معلم هم این نقش را به درستی درک کند و اهمیت آن را بفهمد. این از کارهای اساسی و مهم ماست^۱.

۱- ۱۳۹۰/۲/۱۴ (بیانات در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور)



اهمیت دادن به معلّم یک اصل مهم و درجه اول در نظام اسلامی

یک معلّم عاقل، عالم، خویشتن دار، نافذ، خوش بین، با امید به آینده و اهل کار جمعی، دانش آموز خود را هم این گونه بار می آورد؛ اما معلّم خشن و بی حوصله، جور دیگری دانش آموز را بار می آورد؛ درس هر چه باشد. لذا پرداختن به آموزش و پرورش و اهمیت دادن به معلّم، یک اصل مهم و درجه اول در نظام اسلامی است.^۱



بلکه نقشِ خودِ وجودِ مقدسِ باریِ تعالی است...

همان طور که امام بزرگوار ما فرمودند و مکرر همه گفته‌ایم و شنیده‌ایم، تعلیم، نقش انبیاء است - «یَعْلَمُهُمُ الْكِتَابُ وَالْحِكْمَةُ»^۱ - بلکه نقش خود وجود مقدس باری تعالی است - «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم»^۲ - و در مرتبه‌ی نازلتر، افراد بشر هستند که به یکدیگر تعلیم می‌دهند: یکی معلّم است، یکی متعلّم است. شما و هر کسی در هر نقطه‌ای - چه در آموزش و پرورش، چه در دانشگاه‌ها، چه در حوزه‌ها، چه در محافل تعلیمیِ گوناگون - کارش این باشد که به مردم چیزی یاد بدهد، حقیقت باارزشی را برای آنها روشن کند یا معرفتی بر معرفت‌های مردم بیفزاید، او دارای همین شأن معلّمی است؛ این خیلی محترم و معتبر و ارزشمند است.^۳

۱- (سوره ی مبارکه ی جمعه آیه ی ۲)

۲- (سوره مبارکه ی علق آیه ی ۵)

۳- ۱۳۸۶/۲/۱۲ (بیانات در دیدار معلّمان)



یک معلّم واقعی کیست؟

بخش دوم | قسمت دوم
(ویژگی های معلّم واقعی)

معلّم، یعنی آن کسی که می تواند خصوصیات اخلاقی خوب را در بچه پرورش دهد؛ معلومات خوب را به کودک بیاموزد؛ فکر کردن را به کودک بیاموزد؛ استقلال رأی را به کودک بیاموزد؛ ایستادگی در مقابل باطل و مجاهدت در راه حق را به کودک تعلیم دهد.^۱

۱- ۱۳۷۸/۲/۱۵ (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلّمان)



تعلیم پیامبر گونه به چه نحوی است؟

یک حدیثی از پیغمبر اکرم است که تعلیم را به پیامبر نسبت می دهد. آن حدیث این است که: «ان الله لم یبعثنی معنّتا و لا متعنّتا ولکن بعثنی معلّما میسّرا» خدا من را معلّم مبعوث کرده است؛ معلّم میسّر، یعنی آسان ساز. زندگی را برای متعلّمین خودم با آموزش های خودم آسان می سازم و کار را بر آنها آسان می کنم. این آسان سازی، غیر از آسان گیری است؛ یعنی سهل انگاری نیست. من معنّت و متعنّت نیستم. نه خودم را دچار پیچ و خم های دشوار زندگی میکنم، نه مردم را؛ بلکه با تعلیم خود، مردم را به راه راست، راه صحیح، راه آسفالته، صراط مستقیم هدایت می کنم. آسان سازی یعنی این. انسان گاهی به یک هدفی می خواهد دست پیدا کند، راه را بلد نیست. سنگ و خاک و خاشاک و بلندی های نفسگیر؛ دائم برو بالا، دائم بیا پائین، آخرش هم یا می

۱- (نهج الفصاحه حدیث ۷۲۵)



تعلیم پیامبر گونه به چه نحوی است؟

رسد، یا نمی رسد؛ این تعنت است. یک وقت نه، یک آدم آشنا و واردی همراهش می رود و آن انسان وارد می گوید آقا! از اینجا برو، هم راه هموار است، هم نزدیک است، هم حتماً شما را به هدفت می رساند. «معلماً میسرا» یعنی این. شأن معلم این است.^۱

۱- ۱۳۸۷/۲/۱۲ (بیانات در دیدار معلمان استان فارس)



تأثیر یک معلّم تا چه اندازه است؟

بخش دوم | قسمت سوم
(میزان تأثیرگذاری معلّم)

معلّم است که ما را می تواند شجاع یا جبان، بخشنده یا بخیل، فداکار یا خودپرست، اهل علم و طالب علم و فهم و فرهنگ، یا منجمد و بسته و پایبند به تفکّرات جامد بار بیاورد. معلّم است که می تواند ما را متدین، با تقوا، پاکدامن، یا خدای ناکرده بی بند و بار، بار بیاورد. معلّم چنین نقشی دارد. این ارزش معلّم است؛ این تأثیر معلّم است.^۱

۱- ۱۳۷۸/۲/۱۵ (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان)



انسانهای بزرگ چگونه رشد کرده اند؟

کلام اول:

همه انسانهای یک جامعه پیشرفته و یک جامعه اسلامی، رهین معلم اند. امروز شما در این کشور ملاحظه کنید! هر کس از کسانی که به جایی رسیده‌اند و توانسته‌اند کار بزرگی بکنند و خدمت بزرگی انجام دهند - این بزرگان، این سرداران، این شهدا، این علما، این برجستگان و فرزندانگان و مسؤولان عالی رتبه، تا برسید به شخص امام بزرگوار راحل - همه رهین منت معلم اند؛ چون معلم این‌ها را تربیت کرده است. معلم، دوران کودکی اینها را پوشانده و شخصیت آنها را شکل داده است.^۱

کلام دوم:

این معلمان چقدر عزیزند! این شغل معلمی چقدر ارزشمند است! این مرتبه تعلیم چقدر والا و بلند است،

۱- ۱۳۷۷/۲/۹-۱ (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان)



انسانهای بزرگ چگونه رشد کرده اند؟

که همه انسان های فرزانه، انسانهای بزرگ و برجسته، هر جایی که باشند، خود را پرورده ی دست معلّم می دانند و سایه ی معلّم را بر سر خودشان حس می کنند! سلام بر شما ای معلّمانِ دورانِ جوانی و نوجوانی کودکی ما! شما چه حقّ بزرگی بر گردن ما دارید! چه کار بزرگی برای ما انجام دادید! برای همه انسان هایی که مشغول کار و تلاشند و خدمت و حرکتی می کنند، چه کار برجسته‌ای انجام دادید! این، مقام معلّم است.^۱

۱- ۱۳۷۷/۲/۹ (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلّمان)



دانش آموز از چه چیزهایی تأثیر می گیرد؟

عزیزان من؛ معلمان و معلمات عزیز! در سر کلاس، نه فقط درسی که شما می دهید، بلکه نگاهی که می افکنید، اشاره‌ای که می کنید، لبخندی که می زنید، اخمی که به‌رو می آورید، حرکتی که انجام می دهید و لباسی که می پوشید، برروی دانش‌آموز اثر می گذارد.^۱

۱- ۱۳۷۸/۲/۱۵ (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان)



اگر معلّم نباشد چه میشود؟

همه ی دست های قدرتمندی که تاریخ را به حرکت درآورده اند، به دست معلّمان قدرت پیدا کرده اند؛ معلّمان بوده اند که آنها را کارآمد کرده اند؛ و الاّ اگر مراقبت و مهربانی و زحمت و تلاش معلّم پشت سر بسیاری از استعدادها نباشد، در وجود انسانها دفن خواهد شد و از بین خواهد رفت؛ بنابراین معلّم را باید قدر دانست.^۱

۱- ۱۳۸۳/۲/۱۲ (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلّمان)



حقیقت تعلیم و تربیت چیست؟

اگر به حقیقت تعلیم و تربیت و جایگاه معلم توجه شود، حقیقتاً این جوری باید تشبیه کنیم: کسی که پرداخت کننده و تراش دهنده‌ی به یک گوهر گرانبها است، که به آن ارزش می بخشد. این گوهر گرانبها همین بچه‌های مایند، همین کودکان مایند، کودکان ملتند، که نسل‌های آینده را با همه‌ی مشخصات و ممیزات شان تشکیل می دهند و به وجود می آورند. شما معلم ها هستید که دارید این شخصیت ها را شکل می دهید، پرداخت می کنید. صرفاً این نیست که در کلاس درس، دو کلمه شما بگوئید و او یاد بگیرد؛ همه‌ی رفتار شما، حرکات شما، منش شما، اخلاق شما، به صورت مستقیم در این مخاطب گیر اثر می گذارد و او را شکل می دهد. آنچه هم که به عنوان تعلیم در ذهن او کار می گذارید، از ماندگارترین حقایقی است که در ذهن انسان باقی می ماند.^۱

۱- ۱۳۹۲/۲/۱۸-۱ بیانات در دیدار با جمعی از نخبگان



خصوصیات انسانها چه زمانی شکل می گیرد؟

بعد از پنجاه سال، شصت سال، خیلی از جزئیاتی که معلم به دانش آموز گفته است، در ذهن انسان هست؛ خیلی از خصوصیات که او با رفتار خود، با اخلاق خود، با نحوه ی حرف زدن خود، با نحوه ی تعامل خود به دانش آموز منتقل کرده است، در انسان باقی می ماند. گاهی انسان متوجه است، گاهی هم متوجه نیست؛ همه ی ما ندانسته در همان راهی داریم حرکت می کنیم که بخش مُعْظَمی از آن را معلمین در نهاد ما قرار داده اند؛ این خیلی چیز مهمی است.^۱

۱- ۱۳۹۲/۲/۱۸-۱ (بیانات در دیدار جمعی از فرهنگیان)



دوران طلایی فراگیری

این اهمیت ویژه از کجاست؟ از اینجا است که آموزش و پرورش و مدارس - دوازده سال از پیش دبستانی تا انتهای دبیرستان - یک کارگاه عمومی آموزشی است برای همه‌ی افراد یک جامعه؛ مثل یک قرنطینه است که همه‌ی افراد جامعه از یک نقطه‌ای وارد این مجموعه و این کارگاه می‌شوند و از یک نقطه‌ای خارج می‌شوند. آن هم در چه دورانی؟ در دورانی که در عمر هفتاد ساله و هشتاد ساله و صد ساله‌ی یک انسان، هیچ دورانی از لحاظ فراگیری، به اهمیت این دوران نیست؛ دوران طلایی فراگیری، یعنی از شش سالگی تا هجده سالگی. آموزش و پرورش و معلم را با این نگاه ببینید. سلسله‌ی عظیم میلیونیِ آحاد یک ملت، در بهترین دوره‌های زندگی برای فراگیری - یعنی در همان دوازده سال - وارد کارگاه عظیمی می‌شوند که اسمش آموزش و پرورش است. سرو کار این‌ها با کیست؟ با معلم. بنابراین معلم، نقش آفرین این کارگاه عظیم و دوازده ساله است.^۱

۱- ۱۳۸۶/۲/۱۲ (بیانات در دیدار معلمان)



توسعه ی سیاسی و فرهنگی

توسعه ی سیاسی و توسعه ی فرهنگی یعنی چه؟
توسعه ی فرهنگی و سیاسی این است که انسانها در
جامعه احساس کنند که می توانند درست بیاندیشند،
درست بفهمند و درست فرا بگیرند. اگر کشوری بتواند
خود را به این جا برساند، توطئه ها و گمراه گری ها در
آن اثر نمی کند. این چیز خوبی است، اما این با جنجال
و غوغا و های و هوی و روزنامه بازی و امثال اینها درست
نمی شود؛ به دست معلم درست می شود. توسعه سیاسی
و توسعه فرهنگی را معلم پایه گذاری می کند.^۱

۱- ۱۳۷۸/۲/۱۵ (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان)



اساسی ترین و مهم ترین دوران عمر کودک

شما هستید که در داخل مدارس خودتان، این کودک را از هفت سالگی تحویل می‌گیرید و در هجده، نوزده سالگی تحویل دانشگاه می‌دهید. اساسی ترین و مهم ترین دوران عمر این کودک، با شما معلمان است. باید کشور و جامعه روی این مسأله حساب کنند. معلم، یعنی آن کسی که می‌تواند خصوصیات اخلاقی خوب را در بچه پرورش دهد؛ معلومات خوب را به کودک بیاموزد؛ فکر کردن را به کودک بیاموزد؛ استقلال رأی را به کودک بیاموزد.^۱

۱- ۱۳۷۸/۲/۱۵ (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان)



[معلم کیست؟]

معلم کسی است که دارد نیروی انسانی را آماده می کند برای اداره و گذران زندگی کشور و زندگی جامعه در آیندهی نه چندان دوری. چشم به هم بزنیم، همین جوان های شما، همین محصلین شما، مردانی هستند که کارهای این جامعه بر دوش آنهاست؛ در هر رتبه ای که باشند، در هر سطحی که باشند. در بین همین هاست که برجستگان و مردان بزرگ به وجود می آیند؛ در بین همین هاست که مجاهدان راه حق، پاک بازان و مخلصان سر و پا نشناختهی در راه اهداف الهی به وجود می آیند؛ در بین همین هاست که دستهای توانایی به وجود می آید که چرخ اقتصاد کشور را بچرخاند، فرهنگ کشور را سر و سامان بدهد؛ همین بچه های که امروز در کلاس درس شما می آیند. شما می خواهید اینها را از آب در بیاورید. شما می خواهید اینها را پرورش



معلم کیست؟

بدهید که فردا در آنجایی که قرار گرفتند، بتوانند
خوب کار کنند، درست کار کنند، مایه‌ی پیشرفت
باشند، مایه‌ی عقبگرد و فساد نباشند. ببینید
چقدر مهم است.^۱

۱- ۱۳۹۰/۲/۱۴ (بیانات در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور)



نقش معلّم در کدام مقطع تحصیلی مهم تر است؟

این سه قشری که در اینجا مجتمع شدید، هر چه حساب می کنیم، می بینیم مهم ترین اقشار جامعه‌ی ما را تشکیل می دهند. یک بخش، بخش تعلیم و تربیت است؛ امانت داران فرزندان این ملت در طول سالهای متمادی؛ و کسانی که اولین نگارش های نیک یا بد را می توانند بر لوح سفید آماده‌ی اذهان ما و کودکان ما بنگارند: معلّمان. شاید نقشی بالاتر از معلّم - با همین اصطلاح متداول زمان ما؛ یعنی معلّم دوران ابتدائی، معلّم دوران راهنمائی، معلّم دوران دبیرستان - به این معنا ما نتوانیم پیدا کنیم در میان همه‌ی مشاغلی که در جامعه‌ی ما هست. معلّمین تدریس دهنده‌ی در مراکز عالی علمی - چه حوزه، چه دانشگاه - البته خیلی عالی مقام اند، تا برسد به معلّمین والاتر؛ اما نقش معلّم آموزش و پرورش یک نقش استثنائی است؛ منحصر بفرد است.^۱

۱- ۱۳۸۸/۲/۹-۱ بیانات در دیدار جمعی از معلّمان و کارگران و پرستاران



شاکله ی اصلی وجود افراد را چه کسانی تعیین می کنند؟

شاکله ی اصلی وجود من و شما را در واقع در کنار تربیت خانوادگی، همین معلمانانی که در این دوازده سال با کودکان و فرزندان ما سر و کار دارند، تعیین می کنند و به وجود می آورند. هر چه فکر کنیم، می بینیم این بسیار والاست که البته این ایجاب می کند هم جامعه ی ما، ملت ما، دولت ما، مسئولین ما قدر معلم را بدانند و بدانند که معلمی به این معنا یک ارزش بسیار والاست، هم خود معلمان این نقش را بدرستی قدر بشناسند، آن را یک موهبت الهی بدانند، توجه کنند که چه کار بزرگی در دستان آنها در حال انجام است به اراده و اذن الهی!



چه شخصی تأثیر عمیق و ماندگار بر روی انسان دارد؟

بافت انسان و قالب و تراش یک انسان مطلوبِ اسلام چیزی است که با تربیت حاصل می شود. همه‌ی انسانها هم قابل تربیت اند. بعضی ممکن است دیرپذیرتر باشند، بعضی زودپذیرتر؛ بعضی تربیت در آنها ماندگارتر باشد، بعضی کم دوام‌تر؛ اما همه‌ی انسانها در معرض تغییر و تبدیلی هستند که با تربیت حاصل می شود؛ این در درجه‌ی اول به‌عهده‌ی چند عنصر اصلی است که یکی از عناصر اصلی معلّم است. البته پدر، مادر، رفیق و مانند این‌ها هم مؤثرند، لکن تأثیر معلّم یک تأثیر عمیق‌تر و ماندگارتری است؛ این کاری است که معلّم باید بر عهده بگیرد.^۱



چگونه میتوان به بچه ها هویت داد؟

تشکیل هویت نسل جدید به دست معلّم است؛ یعنی حتی نقشی پُررنگ‌تر از نقش خانواده و پدر و مادر. خود شما هم فرزندان مدرسه‌ایی دارید و می بینید که گاهی اوقات فرمایش آقا معلّم یا خانم معلّم برای بچه وحی مُنزل است؛ به خانه می آید، کاری را انجام می دهد یا کاری را انجام نمی دهد، یا ساعتی می خوابد یا ساعتی ورزش می کند، یا کار دیگری می کند؛ چون این ها را معلّم گفته. پدر و مادر که بارها این حرف ها را می گویند، تأثیر ندارد؛ اما حرف معلّم تأثیر دارد. در اکثر موارد حرف معلّم بر حرف پدر و مادر در ذهن کودک و نوجوان ترجیح پیدا می کند. این است نقش معلّم!



یکی از بزرگترین کارهای بشری؛ تولید انسان فرزانه و آگاه و کارآمد

کاری که بر دوش معلّم است، یکی از بزرگترین کارهایی است که بشر می تواند انجام دهد. تولید او مهم ترین تولید است؛ تولید انسان فرزانه و آگاه و کارآمد. او کسی است که چشمه های استعداد را در وجود انسانها جاری می کند و این ماده ی خام انسانی را - که کودک و نوجوان ماست - به یک شخصیت انسانی کارآمد، با فکر و مفید برای جامعه و کشور و تاریخ تبدیل می کند.^۱

۱- ۱۳۸۳/۲/۱۲ (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلّمان)



در لایه های عمیق ذهن مخاطب اثر بگذارید

در لایه‌های عمیق ذهن مخاطب اثر بگذارید. اکتفاء نکنید به این که احساسات او یا عواطف او جلب شد، راضی بشوید؛ نه، سعی کنید در آن لایه‌های عمیق ذهن اثر بگذارید تا با حوادث گوناگون از دست نرود.^۱

۱-۱۳۹۰/۷/۲۰ (بیانات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه)



چگونه از یک کودک، انسان بزرگی بسازیم؟

کلام اول:

سعی کنید بچه‌ها را با ایمان کنید؛ ایمان به خدا، ایمان به حقیقتِ مطلق و ایمان به اسلام. اگر این بچه‌ها با ایمان پرورش پیدا کردند و شما توانستید بذریعۀ ایمان را در دلشان بکارید، در آینده می‌شود از آنها هر شخصیت عظیمی ساخت و برای هر کاری مناسب‌اند.^۱

۱- ۱۳۷۷/۲/۲۳ (بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)



چگونه از یک کودک، انسان بزرگی بسازیم؟

کلام دوم:

هیچ چیز، معادل ایمان نیست. شما از این بچه، هر چه بخواهید بسازید، باید در او ایمان به وجود آورید. بدترین ضربه‌ای که امپراتوری خبری و هنری زد، این بود که شبکه‌ی عظیم فساد در دنیا را در این سالهای متمادی راه انداخت - که متأسفانه در دوره‌ی پهلوی، پَرش ما را هم گرفت - هُرهُری مذهبی و بی‌ایمانی را رواج داد که انسان در دل و جان خودش، به هیچ ستونی متکی نباشد!



[این، اولین نقطه است!]

اگر ایمان را در کودکان نداشته باشیم، برای هیچ کاری مناسب نیستند؛ هرچه بشوند، نامطمئنند. سیاست مدار شوند، نامطمئنند، تاجر شوند، کارگر شوند، نویسند یا هنرمند شوند، نامطمئنند. سعی کنید ایمان را در بچه‌ها تقویت کنید. این اولین نقطه است. البته آن وقت میتوان بر محور ایمان، تعصب و جمود و امثال آن را پروراند و تنید؛ میتوان صفات عالی، آزاداندیشی، شجاعت، بزرگواری و سماحت را پروراند و تنید. آنچه را که فکر می کنید برای این بچه و برای شخصیت او لازم است، بر محور ایمان بتنید. ان شاءالله خداوند شما را توفیق دهد.



شوق به دانستن را در متعلم ایجاد کنید

تعلیم کاری بسیار ظریف و دقیق است. تعلیم فقط این نیست که ما مجموعه‌ای از معلومات را در کاغذ بگذاریم و به دانش‌آموز بدهیم و بگوییم بخوان؛ بعد هم برهه‌ای از سال را معین کنیم تا بیایند؛ اول، شوق به دانستن را در دل متعلم ایجاد نماییم. کسانی که بدون شوق، رشته‌ای را می‌خوانند، هر چه در آن رشته معلوماتشان زیاد شود، کارآیی آنکسی را پیدا نخواهند کرد که با شوق و ذوق به سمت آن رشته رفته است. در همه‌ی رشته‌های علمی همین‌طور است؛ باید این شوق و ذوق، چه در اساس معلومات، چه در رشته‌های خاص معلومات - که بناست شما پایه‌ی آن را از دوره‌ی راهنمایی بریزید و آماده کنید - در دل متعلم ایجاد شود تا در درون او، این فعالیت فکری و مغزی و این شوق قلبی و نیز تلاشی که معلم شما پیش دست دانش‌آموز می‌گذارد، او را به یک عالم واقعی تبدیل کند. فقط «علم» نیست؛ «تربیت» کنار علم حتماً هست، لذا شما آموزش و پرورشید!

۱- ۱۳۸۱/۴/۲۶ (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش)



برای این سؤالات جواب داشته باشیم!

ما یک نوهی کوچکی داریم، دو سال و نیمش است و هنوز درست حرف هم نمیزند. چند روز پیش یک میزی اینجا بود، داشت می انداخت. به او گفتم این میز را نینداز. گفت: چرا؟ خوشم آمد از این که گفت چرا. چرا نیندازم؟ دنبال علت می گردد. بعد پنجه میزد به یک بچهی دیگری، گفتم آقا جان نکن. گفت: چرا؟ این سؤال کردن از علت، خیلی چیز مهمی است. این حالت دارد به وجود می آید. حالا وقتی او ده ساله بشود، سؤالات زیادی برایش مطرح است: چرا؟ چرا؟ چرا؟ وقتی همین بچه، یک جوان هجده، نوزده ساله‌ای باشد، سؤالات قوی تری در ذهنش ایجاد می شود. ما باید برای این سؤالات جواب داشته باشیم. این کار، کار شماست. شما واقعاً میتوانید این کار را انجام دهید!



اعتماد به نفس در کودک یعنی چه و چگونه؟

خودباوری را باید در جوان همامان، در کودک نامان تقویت کنیم. من می بینم، گاهی به من گزارش میرسد که فلان معلم سر کلاس، یا فلان استاد در سر کلاس دانشگاه، از یک پیشرفت علمی مسلم اظهار تردید کرده؛ این اتفاق افتاده. فرض کنید در زمینه‌ی سلولهای بنیادی، در زمینه‌ی نانو تکنولوژی، در زمینه‌های گوناگون علمی - که حالا خوشبختانه پیشرفتهای علمی کشور در بخشهای مختلف خیلی زیاد است - یک اتفاقی افتاده؛ این یک اتفاق حقیقی است، قابل تردید نیست، جلوی چشم است، ملموس است؛ اما این آقا در کلاس دانشگاه یا کلاس دبیرستان، شروع میکنند به خدشه کردن: نه آقا، اینجوری نیست؛ معلوم نیست! ما چه انگیزه‌ای داریم؟ اگر فرض کنیم خود ما هم تردید داریم در این که این پیشرفت تحقق پیدا کرده، چه داعیه‌ای



اعتماد به نفس در کودک یعنی چه و چگونه؟

داریم آن را به جوان مخاطبمان القاء کنیم؟ خب، برویم تحقیق کنیم؛ برای خودمان روشن شود که شده یا نشده. این خودباوری را تزریق کردن و به وجود آوردن، یکی از کارهای اصلی است.^۱

۱- ۱۳۹۱/۷/۲۰- بیانات در دیدار با معلمان و اساتید دانشگاه های خراسان شمالی



معلم، کودک و نوجوان را با چه شیوه‌ای پیش ببرد؟

معلم دانش می‌آموزد، تفکر می‌آموزد، اخلاق و رفتار هم می‌آموزد؛ آموختن رفتار و اخلاق از قبیل آموختن دانش نیست که فقط انسان از روی کتاب بخواند؛ درس اخلاق را با کتاب نمیشود منتقل کرد، بیش از کتاب و بیش از زبان، رفتار مؤثر است؛ یعنی شما در داخل اتاق درس و میان دانش‌آموزان، با رفتار خودتان به آنها درس میدهید. البته با زبان هم باید گفت، باید نصیحت کرد، اما رفتار تأثیر عمیق‌تری دارد، تأثیر همه‌گیرتری دارد. صادقانه بودن سخن را رفتار انسان روشن میکند؛ این عرض ما به معلمین [است]. این بچه‌ها امانت‌اند در دست جامعه‌ی معلم؛ بایستی به معنا توجه کرد. اگر ان‌شاءالله معلمین ما در این صدد برآیند که کودکان را، نوجوانان را با این شیوه بالا بیاورند و پیش ببرند، تصوّر بنده این است که در آینده‌ی جامعه، تأثیرات زیادی خواهد داشت.^۱

۱- (۱۳۹۳/۲/۱۷)



هنر معلّمی این است!

بخش دوم | قسمت چهارم
(نحوه ی برخورد معلّم با متعلّم)

یک نکته‌ی دیگری در این جا وجود دارد که آن هم باز جنبه‌ی ارزشی دارد. این را هم من عرض بکنم که از نظر اسلام همانطور که معلّم احترام دارد و باید تکریم شود، متعلّم هم باید تکریم شود؛ شاگرد را هم باید تکریم کرد. به شاگرد اهانت نباید کرد. این یک جنبه‌ی پرورشی بسیار عمیقی دارد. اینجا هم یک روایتی است که این طور نقل شده: «تواضعوا لمن تعلّمون منه و تواضعوا لمن تعلّمونه»؛ از کسی که فرامی‌گیرید، تواضع کنید و در برابر کسی هم که از شما فرامی‌گیرد، تواضع کنید. «و لا تكونوا جبارة العلماء». جبار دو نوع است: جبار سیاسی، جبار علمی. جبار علمی نباشید؛ جباران عالم نباشید؛ مثل فرعون. بنده اینجور استادی را در یکی از دانشگاه‌های کشور، سالها پیش، شاید چهل سال، چهل و پنج سال قبل دیده بودم که جوری با شاگردهایش حرف میزد و تعلیم می‌داد و برخورد

۱- (نهج الفصاحه، حدیث ۱۱۸۶ و کافی جلد ۱ صفحه ی ۳۶)



هنر معلّمی این است!

می کرد، که برخوردش فرعونی بود، نه برخورد پدر با فرزند. معلّم ممکن است درشتی هم بکند، اما درشتی غیر از تحقیر است؛ غیر از اهانت است. شاگرد را باید تکریم کرد. شما هر کدامی یقیناً تجربه‌های زیادی دارید از شاگردانی که شما تکریم‌شان کرده‌اید و این کار جواب داده است؛ تربیت او را آسانتر کرده است. دشنام دادن، تحقیر کردن، حتی زدن، خوب نیست. باید شاگرد را مثل مومی در دست چرخاند و شکل داد؛ منتها با ملایمت. هنر معلّمی این است. این هم یک بخش دیگر از این قضیه‌ی ارزشی در باب معلّم^۱.

۱-۱۳۸۷/۲/۱۲ (بیانات در دیدار معلمان استان فارس)



نگاه کنیم ببینیم چه لازم داریم...

بخش سوم
(عیب های مدارس)

[غربی‌ها] شیوه‌های آموزش پرورشی خوبی داشتند و ما هم از آنها یاد گرفتیم. اینکه دبستانها از مکتب خانه‌های قدیم بهتر بود؛ دبستان، دبیرستان، تقسیم‌بندی‌ها، خوب بود، اینها را که ما رد نمی‌کنیم؛ اینها مفید است؛ اما بالآخره چقدرش، چه جورش، با کدام رویکردش، ما دیگر به این توجه نکردیم و یکپارچه گرفتیم. آنها گفتند شش کلاس اینجور باشد، شش کلاس آنجوری باشد، ما همان را آوردیم. بعد، آنها روششان را تغییر دادند، پنج کلاس و سه کلاس و فلان، ما هم این را یاد گرفتیم، آوردیم. خوب، اینکه نمی‌شود. آنها کتاب درسی با درسهای مختلف داشتند، گفتند اینها را تعلیم بدهید، ما هم همین طور این تراکم تعلیمات را فرا گرفتیم. شیوه‌ی سازماندهی آموزش و پرورش هم از لحاظ قالب، هم از لحاظ محتوا یک شیوه‌ی تقلیدی محض است. این درست نیست. ما باید نگاه کنیم ببینیم چه لازم داریم، این شیوه‌ای که هست، کجایش معیوب است.^۱

۱-۱۲/۲/۱۳۸۷ بیانات در دیدار با معلمان استان فارس



عیب شیوه‌ی کنونی آموزش و پرورش چیست؟

این شیوه عیوبی دارد که یکی از عیب‌هایش همین حافظه‌محوری است به جای فکرمحوری. آموزش و پرورش ما حافظه‌محور است. بچه‌ها باید همین‌طور دائم محفوظات درست کنند.^۱



محور تلاش باید عبارت باشد از فکر!

حافظه برای حفظ کردن بد نیست. حفظ کردن بچه‌ها، کتاب خواندن بچه‌ها، زیاد خواندن بچه‌ها هیچ اشکالی ندارد؛ این چیز خوبی است؛ چون این معلومات می ماند. البته ممکن است بعضی اش را هم نفهمند. ما دبستان که می رفتیم، یک دبستانی بود که برنامه‌هایش با برنامه‌های متعارف در آموزش و پرورش فرق داشت. در آنجا به ما گلستان درس می دادند. بعضی از عبارات و اشعار گلستان را بنده از آن وقت به یاد دارم. آن وقت که ما گلستان را می خواندیم، معنایش را نمی فهمیدیم؛ بعدها یواش یواش در طول زمان، معنای آن اشعار و آن جملات را فهمیدیم. این خوب است. انسان یک چیزهایی را ممکن است درست نفهمد، لکن این محفوظات برای فعالیت ذهن زمینه درست می کند. محفوظات خوب است؛ اما حفظ محوری بد است



محور تلاش باید عبارت باشد از فکر!

که محور تلاش، عبارت باشد از حفظ. محور تلاش باید عبارت باشد از فکر، ولو با حفظ هم همراه باشد. خوب، این یک عیب بزرگی است؛ این باید اصلاح شود.^۱

۱- ۱۳۸۷/۲/۱۲ (بیانات در دیدار معلمان استان فارس)



خروجی آموزش و پرورش باید چه انسانی باشد؟

بخش چهارم
(خروجی آموزش و پرورش باید چه انسانی باشد؟)

اگر جمهوری اسلامی می خواهد پرچم اسلام را در دست بگیرد، می خواهد خودش به سعادت برسد، دنیا و آخرت خود را آباد کند همچنان که قرآن به ما یاد می دهد که میتوان دنیا و آخرت را با هم آباد کرد و باید این کار انجام بگیرد - اگر میخواهد به ملتهای دیگر کمک برساند، که «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» شاهد و مَبَشِّر ملتهای دیگر باشد، خوب، طبیعتاً نیازهایی دارد: باید انسانهای شریف، دانا، با استعدادهای جوشان، دارای ابتکار، دارای اخلاق نیک انسانی، دارای شجاعت، قوتِ خطرپذیری، ورود در میدان های جدید، بدون هیچگونه عقدهی خودکم بینی یا خود برتر بینی، انسان های دلدادهی به خدای متعال و متکی به قدرت الهی و دارای توکل کامل، انسان های صبور، انسانهای بردبار و حلیم، انسانهای خوشبین و انسانهای امیدوار تربیت کنید. اسلام همه ی این ها را به صورت بسته ی کامل در اختیار

۱- (آل عمران ۱۱۰)



خروجی آموزش و پرورش باید چه انسانی باشد؟

همه‌ی معتقدین و مؤمنین خود قرار داده است. این بسته را باز کنیم، دانه‌دانه از این مواد استفاده کنیم، بهره‌مند شویم، آنها را بچشیم و درون وجود خودمان ذخیره کنیم. خروجی آموزش و پرورش باید اینجور انسانی باشد.^۱

۱- ۱۳۹۰/۲/۱۴ (بیانات در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور)



وظایف مشترک معلم و والدین

بخش پنجم

کلام اول:

ما در درجه‌ی اول باید به ساختن و پرداختن شکل روحی کودکمان اهتمام بورزیم. اگر توانستیم هویت انسانی این کودک را از آغاز کودکی شکل بدهیم و خلیقاتی را در آن به وجود بیاوریم، این برای همیشه به درد خواهد خورد.^۱

کلام دوم:

نکته‌ی بعد، خودباوری است. ما باید کودک را از آغاز دارای اعتماد به نفس و باور به هویت خود بار بیاوریم. البته این مخصوص کودکان دبستانی نیست؛ در دبیرستان هم همین هست، در دانشگاه هم همین هست. در کشور ما متأسفانه فرهنگ کاملاً منحرفی از گذشته پایه‌گذاری شده، که هنوز آثارش از بین نرفته - با این همه تبلیغاتی که ماها از اول انقلاب تا امروز

۱- ۱۳۹۱/۷/۲۰ (دیدار با معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی)



وظایف مشترک معلم و والدین

داشتیم - و آن، نگاه نیازمندانه‌ی به سمت غرب، بزرگ دیدن غرب و کوچک دیدن خود در مقابل اوست؛ که متأسفانه این فرهنگ ریشه‌کن نشده و وجود دارد؛ این به دلیل نبود خودباوری است.^۱

کلام سوم:

نکته‌ی بعد، بردباری است. یکی از چیزهایی که مادر تعامل اجتماعی احتیاج داریم، روحیه‌ی بردباری است؛ حلم. این که در اسلام و در اخلاق اسلامی این قدر حلم ذکر شده، به این خاطر است. نبود بردباری، بسیاری از مشکلات را در سطوح پائین و سطوح فردی و سطوح اجتماعی به وجود می‌آورد.^۲

۱- ۱۳۹۱/۷/۲۰ (دیدار با معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی)

۲- همان



وظایف مشترک معلم و والدین

کلام چهارم:

مسئله‌ی دیگر، مسئله‌ی کنجکاوی است، که در بیانات دوستان هم بود؛ حالت استفسار و استفهام و دنبال کردن.^۱

کلام پنجم:

نکته‌ی دیگر، کار جمعی، تعاون و همکاری با یکدیگر و همت بلند است. کودکان و همچنین جوانان را از آغاز عادت بدهیم که با همت بلند نگاه کنند. مسائل گوناگونی وجود دارد که اینها را باید در سطح دنیا دید، در سطح جهانی باید مشاهده کرد، نه در سطح منطقه‌ای، چه برسد به این که انسان بخواهد آنها را در سطح کشوری یا در سطح ولایتی و استانی ببیند. مسائلی وجود دارد که اینها را باید در آفاق صد ساله و صد و پنجاه ساله دید،

۱-۳۹۱/۷/۲۰۰ (دیدار با معلمان و اساتید دانشگاههای خراسان شمالی)



وظایف مشترک معلم و والدین

نه در یک افق محدود پنج ساله و ده ساله و کمتر. اینها همت بلند لازم دارد؛ نگاه بلندهمتانه به مسائل گوناگون. این دانش‌آموز یا این دانشجوئی که شما امروز دارید تربیت میکنید، چند صباح دیگر یک استاد است، یک مدیر فعال است، یک کارشناس برجسته است، یک عنصر مؤثر در حرکت سیاسی جامعه است؛ چند صباح دیگر این وجود مؤثری در جامعه خواهد بود. این را آن جوری تربیت کنید که با این همت بلند بار بیاید.^۱

::: کلام ششم:

نکته‌ی بعد، تن به کار دادن است. یکی از مشکلات

ما تنبلی است.^۲

۱- ۱۳۹۱/۷/۲۰ (دیدار با معلّمان و اساتید دانشگاههای خراسان شمالی)

۲- همان



وظایف مشترک معلم و والدین

... کلام هفتم:

مسئله‌ی مطالعه و کتابخوانی مهم است. در جامعه‌ی ما بی‌اعتنائی به کتاب وجود دارد. گاهی آدم می‌بیند در تلویزیون از این و آن سؤال می‌کنند: آقا شما چند ساعت در شبانه‌روز مطالعه می‌کنید، یا چقدر وقت کتابخوانی دارید؟ یکی می‌گوید پنج دقیقه، یکی می‌گوید نیم ساعت! انسان تعجب می‌کند. ما باید جوانان را به کتابخوانی عادت دهیم، کودکان را به کتابخوانی عادت دهیم؛ که این تا آخر عمر همراهشان خواهد بود. کتابخوانی در سنین بنده - که البته بنده چندین برابر جوانها کتاب می‌خوانم - غالباً تأثیرش بمراتب کمتر است از کتابخوانی در سنین جوان‌ها و شما عزیزانی که اینجا حضور دارید. آنچه که همیشه برای انسان می‌ماند، کتابخوانی در سنین پائین است. جوانان شما، کودکان شما هرچه می‌توانند، کتاب بخوانند؛ در فنون



وظایف مشترک معلم و والدین

مختلف، در راههای مختلف، مطالبی یاد بگیرند. البته از هرزه‌گردی در محیط کتاب هم باید پرهیز کرد، منتها این مسئله‌ی بعدی است؛ مسئله‌ی اول این است که یاد بگیرند، عادت کنند به این که اصلاً به کتاب مراجعه کنند، کتاب نگاه کنند. البته باید دستگاه‌ها مراقب باشند، اشخاص مواظب باشند، هدایت کنند به کتاب خوب؛ که با کتاب بد، عمر ضایع نشود.^۱

... کلام هشتم:

نکته‌ی دیگری را اینجا یکی از خانم‌ها گفتند که من یادداشت کردم؛ آن هم نکته‌ی بسیار مهمی است: این خصوصیتی که ما می‌خواهیم در کودکانمان به وجود بیاید - حالا شاید در مورد آموزش و پرورش گفتند - به طور طبیعی به وجود نمی‌آید؛ این باید کار شود. چه کسی کار کند؟ معلمین؛ چه در سطوح آموزش و پرورش، چه

۱- ۱۳۹۱/۷/۲۰ (دیدار با معلم‌ان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی)



وظایف مشترک معلم و والدین

در سطوح دانشگاه. معلمین باید آمادگی این کار را داشته باشند، خبره‌ی این کار باشند؛ این احتیاج پیدا میکند به یک دستگاه بالادستی که این تربیت را به وجود بیاورد. بله، این منطقی است. الان وزیر محترم آموزش و پرورش هم اینجا هستند؛ این را بروید در دولت مطرح کنید، خود شما هم در سطح آموزش و پرورش ببینید چه کار میتوانید بکنید. راست میگویند؛ ما اگر بخواهیم این خصلتهای خوب در مخاطبینمان سر کلاس به وجود بیاید، احتیاج دارد به این که معلم ما بلد باشد چه کار کند. همه بلد نیستند؛ باید یاد بگیرند. مراکزی باید به وجود بیاید؛ که گفته شد پژوهشکده‌های فرهنگی خانواده یا فرهنگ خانواده؛ این جزو پیشنهادهایی بود که بعضی کردند؛ بسیار خوب است، کاملاً درست است؛ باید روی این مسائل کار شود. البته اینها ناظر به امنیت اخلاقی خانواده است، لیکن همه‌ی اینها در مورد مدارس و دانشگاهها هم وجود دارد.^۱

۱- ۱۳۹۱/۷/۲۰ (دیدار با معلمان و اساتید دانشگاههای خراسان شمالی)



وظایف مشترک معلم و والدین

کلام نهم:

الآن در سطح جهان، رتبه‌ی شانزدهم علمی متعلق به ایران است. کسی باورش می‌آمد؟ این را مراکز آماري معتبر دنیا اعلان کردند. آن وقت یک مرکزی پیش‌بینی میکند، میگوید تا سال ۲۰۱۸ ایران به رتبه‌ی علمی چهارم در دنیا خواهد رسید. امکانات کشور و توانائی‌های کشور اینجوری است. سهم ایران در تولید علم، الان در دنیا دو درصد است؛ یعنی دو برابر آنچه که به طور طبیعی ایران میتواند و باید در تولید علم دنیا سهم داشته باشد. اینها چیزهای برجسته‌ای است، اینها چیزهای مهمی است.

بنابراین ما باید امید را افزایش دهیم؛ من این را میخواهم عرض کنم. ما باید کارهای زیادی را در سطوح دولتی، در سطوح مسئولان بالا انجام دهیم؛ اما آنچه که اساس قضیه است، این است که شما



وظایف مشترک معلم و والدین

در کلاسهای درس، چه در آموزش و پرورش، چه در دانشگاه، امید به حرکت را در این جوان و مخاطب خودتان پرورش دهید؛ این مثل یک گلوله‌ای خواهد شد و پیش خواهد رفت. اگر یک چنین اتفاقی بیفتد، کشور از وجود او حداکثر استفاده را خواهد کرد. سعی کنیم نشاط ایجاد کنیم، امید ایجاد کنیم. خطراتی بر سر راه جوان‌ها وجود دارد؛ یکی از خطرات، ناامیدی است؛ که باید از القاء ناامیدی بشدت پرهیز کرد.^۱

۱- ۱۳۹۱/۷/۲۰ (دیدار با معلمان و اساتید دانشگاههای خراسان شمالی)

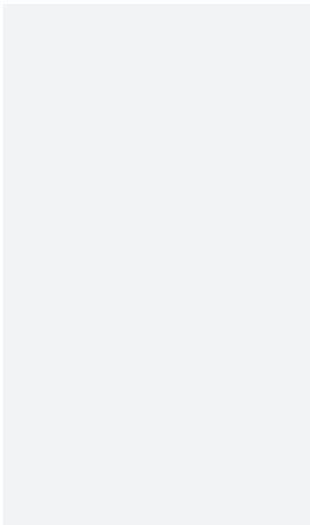


فصل
بذریاشی

فصل سوم



تزکیه،
تربیت
و تعلیم





پیش از تعلیم به تربیت بیاندیشید

به قدر تعلیم، یا شاید بیش از تعلیم، به تربیت بیاندیشید. به جز در یک جا در قرآن، که «يُعَلِّمُهُم» جلوتر از «يُزَكِّيهِمْ» است، همه جا «يُزَكِّيهِمْ» - تزکیه - بر تعلیم مقدم است؛ «يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ». این شاید نشان دهنده‌ی این است که تزکیه جایگاه برتری دارد. مخاطبان خودتان را تزکیه کنید، تربیت کنید. این تربیت هم «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ»، سخت است. این کار سخت را هم باید انجام داد.^۲

۱- (سوره ی جمعه ایه ی ۲)

۲- (غرر الحکم، ح ۷۰۱۶)

۳- ۱۳۹۰/۷/۲۰ (بیانات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه)



درباره‌ی آن خیلی فکر کنیم و اهمیت آن را خیلی بشناسیم

ما می‌خواهیم از این نسلی که امروز مثل ماده‌ی خامی و مثل ذخیره‌ای در اختیار یکایک ماست، چه ساخته شود؟ آینده‌ای را که آنها خواهند ساخت و پرداخت و پیش برد، چگونه تصویر کرده‌ایم؟ اگر حقیقتاً به آرمان‌های اسلامی و ملی و عظمت ایران و ایرانی و جبران راهی که دستهای استبداد سیاه در این صدوپنجاه سال، دویست سال اخیر ما را در آن کشانده است، فکر می‌کنیم؛ اگر این‌ها برایمان مهم است و به آینده به معنای حقیقی کلمه اهمیت می‌دهیم، پس بایستی به تربیت کودک و نوجوان خیلی بپردازیم، درباره‌ی آن خیلی فکر کنیم و اهمیت آن را خیلی بشناسیم؛ که احساس می‌کنم برای برخی از مسئولان امور فرهنگی مسأله به این شکل مطرح نیست!



جایگاه تزکیه در تربیت کجاست؟

امور تربیتیها که از اول انقلاب مطرح بود باید جدی گرفته شود. خدا رحمت کند شهید «رجایی» و شهید «باهنر» را که عالمانه این بخش را فعال کردند. نمی‌شود در همه‌ی سطوح این بخش را از آموزش و پرورش حذف کرد؛ باید به آن توجه نمود. حداقل نیمی از کار آموزش و پرورش، پرورش و تربیت است. لذا شما می‌بینید در قرآن وظیفه‌ی انبیاء، تزکیه و تعلیم است. بعضی‌ها از جلو قرار گرفتن «یزگیهم» در دو آیه‌ی قرآن بر «یعلّمهم»، استفاده کرده‌اند که تزکیه از تعلیم هم بالاتر است. می‌تواند اینطور باشد. حداقل این است که تزکیه در کنار تعلیم است؛ «یزگیهم و یعلّمهم الكتاب و الحکمة» آن هم تعلیم کتاب و حکمت، نه تعلیم چیزهای پیش پا افتاده. این در کنار تزکیه است؛ بنابراین تزکیه خیلی بالاست. تزکیه، یعنی تربیت.^۱

۱-۲۶-۴/۱۳۸۱ (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش)



علم بدون تربیت فایده‌های دارد؟

گنجینه‌های ملت - یعنی کودکان و نوجوانان و جوانان - در دست شماست؛ هیچ گنجی از این بالاتر نیست. اگر از استعداد این‌ها در راه پرورش فکری و رشد علمی استفاده نشود؛ یا رشد علمی پیدا کنند، اما از لحاظ انسانی و اخلاقی و تربیتی انسانهای منحرف و مُعَوّجی بار بیایند؛ انسانی بی‌اعتقاد و بی‌اعتنای به همه‌ی موازین اخلاقی باشند؛ نه به ملت، نه به کشور، نه به مردم، نه به اسلام و انقلاب، نه به خدمتگزاران و مسئولان کشور و نه به سرنوشت و تاریخشان هیچ اعتنایی نداشته باشند؛ اینها هر چه هم عالم باشند، این علم ارزش منفی دارد؛ یعنی میزان علم هر چه بیشتر شد، ضربه و ضررش هم بیشتر خواهد بود؛ مصداق همان شعر معروف خواهند بود:

چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر برد کالا

بنابراین باید برای تربیت دانش‌آموزان هم خیلی اهمیت

قائل شد.^۱

۱- ۱۳۸۱/۴/۲۶ (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش)



توجه به تفاوت های فردی در تعلیم و تربیت

یکی از مسایل تعلیم و تربیت، توجه به تفاوت های فردی بین بچه هاست. بچه ها از لحاظ زمینه ارثی و وضع خانوادگی، موقعیت شغلی والدین، وضع اجتماعی، امکانات، هوش، استعداد و سایر جنبه های مختلف رشد با هم فرق می کنند^۱.



توجه به فطرت پاک و کمال جوی کودکان در تربیت

کودکان جهان همچون جوانه های امید بخشی هستند که دست مایه حیاتشان بذر پاکیزه فطرت است و بستر رشدشان زمین مستعد خانواده و سپس جامعه؛ مسأله تعلیم و تربیت مفید و سالم در فضای مساعد رشد می تواند نقشی مطلوب بر لوح فطرت کودک بنگارد و زمینه کمال وی را فراهم سازد و از این راه آینده ای روشن را برای ملت ها تضمین کند. در نظر داشته باشیم که همه کودکان بر فطرتی پاک و کمال جو متولد می شوند و این تربیت خانواده و اجتماع است که از آنان انسان هایی برومند و شایسته یا پژمرده و فاسد می سازند.^۱

۱- (پیام به سمینار علمی و آموزشی کودکان زیر ۶ سال) ۱۲/ ۳/ ۱۳۶۶



توجه به معنویت در تربیت اطفال

دنیای مادی گرا، به حق، از ضعف نفوذ معنویت در رنج و اضطراب به سر می برد، حال آنکه باید به همین عامل معنوی در امور تربیتی توجه خاص معطوف شود که مهم ترین وظیفه در تربیت اطفال و انتقال مفاهیم ارزش ها است.^۱

۱- پیام به سمینار علمی و آموزشی کودکان زیر ۶ سال (۱۳۶۶/۳/۱۲)



ضرورت آموزش مسائل معنوی به کودکان

باور داشته باشیم که کودکان ما بسیاری از مسایل
معنوی را درک می کنند و آموزش آنان در این سنین
با روشهای مناسب نه تنها مقدور بلکه واجب و اساسی
است.^۱

۱- پیام به سمینار علمی و آموزشی کودکان زیر ۶ سال (۱۳۶۶/۳/۱۲)



فصل
بذریاشی

فصل چهارم



مانعی به نام
غرب



این، جای نگرانی است!

بچه‌ی شما در آغوش شما، در مدرسه‌ی شما، در کتابخانه‌ی کانون و جلوی روی شماست و شما برای او فکری، آینه‌ای و امیدواری ای دارید. ناگهان مشاهده می‌کنید دسترسی یک نفر که حداقل بیگانه است - شما با این بچه خویشاوندید، شما معلمش، پدرش، یا مربیش هستید؛ لیکن او بیگانه و بی‌علاقه به سرنوشت این بچه است - به این بچه، از راه همین کالاهای فرهنگی متداول و رسانه‌های گوناگون خبری و فرهنگی، بیشتر از شماست! این، جای نگرانی است و امروز این وجود دارد؛ چه من و شما بخواهیم، چه نخواهیم!



غرب چگونه در ذهن کودک ما اثر گذاری میکند؟

کلام اول:

تهاجم فرهنگی یک حقیقتی است که وجود دارد؛ می خواهند بر روی ذهن ملت ما و بر روی رفتار ملت ما - جوان، نوجوان، حتی کودک - اثر گذاری کنند. این بازی های اینترنتی از جملهی همین است؛ این اسباب بازی هایی که وارد کشور می شود از جملهی همین است که من چقدر سر قضیهی تولید اسباب بازی داخلی معنی دار و جذاب حرص خوردم با بعضی از مسئولین این کار که این کار را دنبال نکنند.

کلام دوم:

خب می دانید، الآن آموزش زبان انگلیسی - بالخصوص زبان انگلیسی، حالا زبانهای دیگر خیلی خیلی کمتر - خیلی رواج پیدا کرده، آموزشگاههای فراوانی به وجود می آورند. خب، مراکز آموزش هست؛ همهی کتاب های آموزش که خیلی هم با شیوههای



غرب چگونه در ذهن کودک ما اثر گذاری می کند؟

جدید و خوبی این کتاب های آموزش زبان انگلیسی تدوین شده، منتقل کننده ی سبک زندگی غربی است، سبک زندگی انگلیسی است. خب این بچه ی ما، این نوجوان ما و جوان ما [که] این را می خواند، فقط زبان یاد نمی گیرد؛ حتی ممکن است آن زبان یادش برود، اما آنچه بیشتر در او اثر می گذارد آن تأثیر [است] که بر اثر خواندن این کتاب از سبک زندگی غربی در وجود او به وجود می آید؛ این از بین نمی رود؛ این کارها را دارند می کنند!

... کلام سوم:

روی کیف بچه های دبستانی چه لزومی دارد که یک تعبیر فرنگی نوشته بشود؟ روی اسباب بازی ها همین جور؛ من واقعا حیرت میکنم. این جزو چیزهایی است که شما خیلی درباره اش مسئولیت دارید.



غرب چگونه در ذهن کودک ما اثر گذاری می کند؟

... کلام چهارم:

خب در مقابل این ها باید چه کار کرد؟ در مقابل اینها دو چیز لازم است: یکی کار، یکی ابتکار؛ این دو کار و این دو نقطه‌ی مهم را باید در نظر [داشت]؛ باید کار کنیم، کار هم باید کار ابتکاری باشد.

فصل
بذریاشی

فصل پنجم

ابزارهای تربیتی

❖ استفاده از طلبه‌ها در کار تربیتی

❖ قرآن

❖ شعر

❖ قصه

❖ فلسفه

❖ زبان فارسی

❖ بازی



آیا طلبه ها وارد فضای تربیتی بشوند؟

بخش اول

(استفاده از طلبه ها در کار تربیتی)

اینکه روز معلم را در سالگرد شهادت شهید مطهری قرار دادند، یک معنای نمادین و پرمغز و پرمضمونی دارد؛ چون حقاً و انصافاً مرحوم شهید مطهری یک انسان بزرگ و برجسته بود. زندگی او، تلاش مخلصانه و مؤمنانه و عالمانه، همراه با احساس درد، همراه با یک بصیرت کامل در میدان علم و معرفت و فرهنگ بود. خدای متعال هم این مرد بزرگ را مأجور کرد، پاداش داد و شهادت را نصیب او کرد؛ در واقع او را زنده نگه داشت؛ «بل احياء عند ربهم». یک متخرّج و تحصیل کرده‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، وقتی با کوله‌بار معرفت و دانشی که به طور عمیق آموخته است، می‌آید در دل محیط فرهنگ و تعلیم و تربیت عمومی و نسل جوان قرار می‌گیرد، این قدر منشأ برکات می‌شود. من همین جا عرض بکنم - قبلاً هم در حوزه‌ی علمیه گفته‌ام - فضلا و

۱- (۱۶۹ آل عمران)



آیا طلبه ها وارد فضای تربیتی بشوند؟

برجستگان حوزه‌ی علمیه، آن عناصر لایق و توانایی
هستند که می‌توانند در مجموعه‌ی عظیم آموزش و
پرورش نقش ایفاء کنند!



فراگیری قرآن چه اثری در نوجوان دارد؟

بخش دوم
(قرآن)

کلام اول:

شما جوانان و نوجوانانی که قرآن را فرا می‌گیرید، این را بدانید که یک ذخیره مادام‌العمر برای اندیشیدن و فکر کردن را برای خودتان فراهم می‌کنید. این چیز بسیار باارزشی است.^۱

کلام دوم:

امروز بحمدالله امواج آموزش و تعلیم و تعلّم قرآن، بسیاری از نقاط جامعه‌ی ما را فراگرفته است و من خوشحالم از این که می‌بینم جوانان، نوجوانان و کودکان، در راه آموزش قرآن تلاش می‌کنند^۲

۱- ۱۳۸۰/۶/۲۸ (بیانات در دیدار جمعی از حافظان و قاریان قرآن نونهال و نوجوان کشور)
۲- همان



فراگیری قرآن چه اثری در نوجوان دارد؟

کلام سوم:

اُنس با قرآن در دوران کودکی و نوجوانی، تا دوران

جوانی، یک نعمت بسیار بزرگ است.^۱

۱- ۱۳۸۰/۶/۲۸ (بیانات در دیدار جمعی از حافظان و قاریان قرآن نونهال و نوجوان کشور)



حفظ قرآن

من عقیده‌ام این است که حفظ قرآن باید از بچگی شروع بشود؛ یعنی حدوداً از دوازده سالگی، سیزده سالگی؛ «التَّعَلَّمَ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ»^۱

۱- بیانات در دیدار قاریان مصری ۱۳۷۰/۱۱/۳



استحکام مبانی فکری همزمان با حفظ قرآن

باید همزمان با آموزش و حفظ قرآن، مبانی فکری و استدلالی قرآن آموزان از طریق آثار شهید مطهری و دیگر بزرگان، استحکام یابد تا این نونهالان و نوجوانان در آینده در خدمت اسلام، قرآن و اهل بیت علیه السلام قرار گیرند.^۱

۱- دیدار جمعی از نونهالان و نوجوانان حافظ و قاری قرآن (۱۳۸۰/۴/۴)



فهم قرآن در کودکی راه رشد جامعه ی اسلامی

آن چیزهایی که لازم است، آن مطالبی که مفید است و ما را به فهم قرآن نزدیک تر می کند، آنها را به این کودکان یاد بدهید تا مثل نقشی که در سنگ می ماند، تا آخر عمر در ذهنشان باقی بماند و مایه برکت شود. جامعه اسلامی ما از این طریق رشد می کند و استحکام می یابد و با این روش استقلال خود را تضمین و توجه مسلمانان دنیا را جلب می کند تا راه هدایت خود را در اسلام پیدا کند.^۱



امروز یک مقداری جایش خالی است...

بخش سوم
(شعر)

توجه به شعر کودک که مُتضمّن مفاهیم حکمت اسلامی و حکمت سیاسی باشد، به نظر ما یکی از کارهای لازم است و امروز یک مقداری جایش خالی است. شعر کودک و کتاب کودک و نوجوان از جمله ی بخش های مهمی است که امروز مورد توجه است. شعرایی که توانایی دارند، زبان رسایی دارند، باید مفاهیم حکمت آمیز را، یعنی حکمت اسلامی و ایرانی را در شعرهای فارسی بگنجانند^۱

۱-۱/۳۹۲/۵ (بیانات در دیدار شاعران)



قصه های خوب سازنده ی شخصیت کودک

بخش چهارم
(قصه)

قصه گویی، هنر بسیار خوبی است. قصه های خوب، سازنده ی شخصیت کودک است. همان قصه های قدیمی را که ما از مادر خودمان، از مادر بزرگ و یا از پیرزن دیگری در کودکی شنیده ایم، امروز که مرور می کنیم، می بینیم در آنها چقدر حکمت وجود دارد! انسان، بعضی از خصال و تفکرات خودش را که ریشه یابی میکند، به این قصه ها می رسد. قصه، مقوله ی خیلی مهمی است؛ منتها قصه های خوب.^۱

۱- ۱۳۷۷/۲/۲۳ (بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)



کاشتن بذر ایمان اولین کار در قصه گویی

سعی کنید در این قصه‌گویی و در این کار هنری،
اولین چیزی را که در کودک ایجاد می‌کنید، ایمان
باشد.^۱

۱-۱۳۶۷/۲/۲۳ (بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)



خودم را از جهت رسیدگی به فرزندانم، مدیون این مرد و کتابهایش می دانم!

در یک برنامه‌ی تلویزیونی دیدم که از ایشان [آقای آذر یزدی] تجلیل کرده بودند. من باینکه وقتم هم کم است، از وقتی تلویزیون را روشن کردم و دیدم که از ایشان دارد تجلیل می‌شود، پای آن برنامه نشستم، صحبت‌های خود ایشان را هم گوش کردم. ایشان در آنجا می‌گفتند که در طول آن سالهای پیش از انقلاب هیچ‌کس کمترین تشکری، تقدیری از این مرد زحمتکش و خدوم نکرده است. آن برنامه را که من دیدم، نکته‌ای در ذهنم بود و دلم خواست که آن را یک‌وقتی به ایشان بگویم، فکر می‌کردم دیگر امکان ندارد و عملی نیست؛ کجا حالا ما آقای آذر یزدی را زیارت کنیم! حالا تصادفاً امشب ایشان اینجا هستند. آن نکته این است که من خودم را از جهت رسیدگی به فرزندانم، بخشی مدیون این مرد و کتاب این مرد می‌دانم. آن‌وقتی که کتاب ایشان درآمد- اول هم به نظرم دو جلد، سه جلد، تا



خودم را از جهت رسیدگی به فرزندانم، مدیون این مرد و کتابهایش می دانم!

آن وقتی که من اطلاع پیدا کردم، از این کتاب درآمده بود؛ «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» - من رفتم تورق کردم. بچه‌های ما داشتند به دوران مُراهقی - یعنی نزدیکی به بلوغ - می‌رسیدند، دوره هم دوره‌ی طاغوت بود و همه‌ی عوامل در جهت گمراه‌سازی ذهن و دل جوان حرکت می‌کرد. من دلم می‌خواست چیزی باشد که جوانهای ما با او هدایت شوند و جاذبه هم داشته باشد. خب، کتاب خوب که خیلی بود. بنده فهرست پیشنهادی کتاب می‌نوشتم و بین جوانهای دانشجو و دانش‌آموزهای سطوح بالای دبیرستانها پخش می‌شد، اما برای بچه‌های کوچک، دستمان خالی بود، تا اینکه کتاب ایشان را من پیدا کردم. نگاه کردم دیدم این از جهات متعددی، از دو سه جهت، همان چیزی است که من دنبالش می‌گردم. به نظرم دو جلد یا سه جلد آن وقت چاپ شده بود، خریدم. بعد هم دنبالش گشتم



خودم را از جهت رسیدگی به فرزندانم، مدیون این مرد و کتابهایش می دانم!

تا اینکه جلد پنجم به نظرم یا ششم - حالا درست نمی دانم، یادم نیست - درآمد؛ به تدریج چاپ شد و من رفتم تهیه کردم و برای فرزندانم خریدم. نه فقط فرزندان، بلکه در سطح شعاع ارتباطات فامیلی و دوستانه، هر جا دستم رسید و فرزندی داشتند که مناسب بود با این قضیه، این کتاب ایشان را معرفی کردم. خواستم این حق شناسی را من به نوبه‌ی خود کرده باشم. ایشان یک خلئی را در یک برهه‌ای از زمان برای زنجیره‌ی طولانی فرهنگی این کشور پر کردند. اینکار، بالارزش است. خداوند از شما این خدمت را قبول کند و مأجور باشید. این ستایشهای زبانی و این‌ها، اجر کارهایی که با اخلاص انجام گرفته باشد، نمی‌شود؛ اجر کار مخلصانه را خدا باید بدهد و خدا هم خواهد داد.^۱

۱- ۱۳۸۶/۱۰/۱۵ (بیانات در دیدار نخبگان استان یزد)



[ما از این کار غفلت داریم...]

بخش پنجم
(فلسفه)

::: کلام اول:

یکی از رشته‌های تألیف و کار فلسفی، نوشتن فلسفه برای کودکان است. کتاب‌های فلسفی متعددی برای کودکان نوشته‌اند و ذهن آنان را از اول با مبانی فلسفی‌ای که امروز مورد پسند لیبرال دمکراسی است، آشنا می‌کنند. یقیناً در نظام شوروی سابق و دیگر نظام‌های مارکسیستی اگر دستگاه فلسفه برای کودکان و جوانان بود، چیزی بود که مثلاً به فلسفه‌ی علمی «مارکس» منتهی شود. ما از این کار غفلت داریم. من به دوستانی که در بنیاد ملاحظه‌ها مشغول کار هستند، سفارش کردم، گفتم بنشینید برای جوانان و کودکان کتاب بنویسید. این کاری است که قم می‌تواند بر آن همت بگمارد. بنابراین از جمله کارهای بسیار لازم، بسط فلسفه است؛ البته با مبانی مستحکم و ادبیات خوب و جذاب^۱

۱- ۱۳۸۲/۱۰/۲۹ (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی)



[ما از این کار غفلت داریم...]

... کلام دوم:

یک مسئله، مسئله‌ی نوشتن کتاب فلسفی برای کودکان است، که غربی‌ها دارند این کار را می‌کنند. دو سه سال قبل از این، یک کتابی برای من آوردند، من مبالغی نگاه کردم. خوب، از همان اولی که شروع می‌کند، واقعاً فلسفه است؛ لیکن باب کودکان است. این کتاب، یک کتاب خیلی قشنگی است در باب فلسفه، به نظرم یک آمریکایی این را نوشته است. ما به این جور کتابی احتیاج داریم. بچه‌های ما ذهنشان دارد فلسفی می‌شود. خوشبختانه حرکت جامعه و نظام موجب شده که ذهنها عقلانیت پیدا کند. جوان‌های ما واقعاً سؤال می‌کنند. این سؤالهایی که زیاد شده، این را باید مبارک دانست؛ منتها ما باید جواب گویی داشته باشیم. حس سؤال‌کنندگی دارد زیاد میشود، و این همین‌طور دارد به نسلهای پایین‌تر منتقل می‌شود^۱

۱- ۱۳۹۱/۱۱/۲۳ (بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی)



پیشروان علمی دنیا را به اینجا رسانده که...

امروز در دنیا به زبان کودکی به کودکان فلسفه می‌آموزند؛ یعنی چیزی که از نظر بعضی از طراحان کشور ما بی‌معنی است؛ فکر می‌کنند فلسفه مخصوص آدم‌های ریش و سبیل‌دار و کسانی است که یک سنی از آنها گذشته باشد. نگاه مدرن به مسائل حیات، امروز پیشروان علمی دنیا را به اینجا رسانده که باید فلسفه را از دوره‌ی دبستان به کودکان تعلیم داد؛ البته با زبان کودکی.^۱

۱-۱۳۸۵/۲/۱۲ (بیانات در دیدار معلمان سراسر کشور)



کودک، از اولِ کودکی عادت کند به...

امروز در کشورهای پیشرفته‌ی مادی دنیا، یکی از کارهای اساسی و یک رشته‌ی مهم، تدریس فلسفه برای کودکان است. خیلی‌ها در جامعه‌ی ما اصلاً تصور نمی‌کنند که برای کودک هم فلسفه لازم است. برخی تصور می‌کنند فلسفه به معنای یک چیز قلمبه سُلمبه‌ای است که یک عده‌ای در سنین بالا به آن توجه می‌کنند؛ این نیست. فلسفه شکل دادن فکر است، یاد دادن فهم کردن است، ذهن را به فهمیدن و تفکر کردن، عادت دادن است؛ این از اول باید به وجود بیاید. قالب، مهم است. اگرچه محتوا هم در همین فلسفه‌ی کودکان حائز اهمیت است، اما عمده شیوه است؛ یعنی کودک از اول کودکی عادت کند به فکر کردن، عادت کند به خردورزی؛ این خیلی مهم است.^۱

۱- ۱۳۹۱/۷/۲۰ (بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی)



فارسی را درست یاد بگیرد!

بخش ششم
(زبان فارسی)

اگر امروز کودک ما فارسی را درست یاد بگیرد و بتواند لغت فارسی را در جایی که لازم دارد، استفاده و مصرف کند، اگر شاعر شد، اگر هنرمند، گوینده، برنامه‌ساز، یا کتاب‌نویس شد، شما دیگر خاطرتان جمع است؛ مثل کتاب‌نویس، فیلمنامه‌نویس، گوینده‌ی تلویزیون و افرادی نظیر آنها که در محیط قبلی پرورش پیدا کرده‌اند، نخواهد بود.^۱

۱- ۱۳۷۷/۲/۲۳ (بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)



بازی های غربی یا بازی های ایرانی؟

بخش هفتم
(بازی)

فیلم هم چیز جذابی است؛ سینما خیلی عنصر جذابی است، رسانه‌ی فوق العاده‌ای است، یعنی واقعا الان هیچ چیزی مثل سینما نیست از لحاظ اثرگذاری؛ خب روی این زمینه کار بکنید؛ کارهای ابتکاری بکنید؛ اسباب بازی همین جور، بازی رایانه‌ای همین جور، عروسک همین جور، این‌ها چیزهایی است که لازم است. اسباب بازی رایج بچه‌های ما شده تفنگ. خب بابا! آمریکایی‌ها که پدرجد ما در این کارند، الان پشیمان اند، در آن درمانده‌اند که چه کار کنند. ما بچه‌های خودمان را که آلدولک بازی می کردند که تحرک داشت و خوب بود، گرگم به هوا بازی می کردند که کار بسیار خوبی بود و ورزش بود و بازی و سرگرمی بود، یا این چیزی که خط کشی می کنند و لی لی می کنند - بازی بچه‌های ما اینها بود - آورده‌ایم نشانده‌ایم پای اینترنت، نه تحرک جسمی دارند، نه تحرک روحی دارند، و ذهنشان تسخیر شده به وسیله‌ی طرف مقابل. خب بیایید بازی تولید



بازی های غربی یا بازی های ایرانی؟

کنید، بازی ترویج کنید، همین بازی هایی که بنده حالا اسم آوردم و ده تا از این قبیل بازی [که] بین بچه های ما از قدیم معمول بوده را ترویج کنید؛ [این] یکی از کارها است، اینها را ترویج کنید. ما همه اش نباید نگاه کنیم ببینیم که غربی ها از چه جور بازی ای حمایت می کنند، ما هم از همان بازی حمایت بکنیم. ورزش باستانی یک ورزش زیبا و هنری است، خوب این را ترویج کنید؛ اینها را پیش ببرید و ترویج کنید که بچه ها [سراغ اینها] بروند. بچه های ما - نوه های بنده - اسم بازیکنان و ستاره های فوتبال دنیا را خیلی خوب بلدند، یکی یکی همین طور مکرر اسم اینها را می آورند؛ این طرفدار این است، آن طرفدار آن است، لباس نمی دانم فلان تیم فرنگی را این میپوشد، آن یکی لباس تیم دیگر را می پوشد، اما اسم مثلاً فرض کنید که فلان دانشمند معاصر خودشان را نمی شناسند؛ اسم بیاوری نمی شناسند کیست؛ خوب اینها بد است، اینها را ما بایستی واقعا کار بکنیم.^۱

۱- ۱۳۹۲/۹/۱۹-۱ بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی

